

بررسی آثار متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر کاهش اختلافات قومی در کشورهای

منتخب حوزه مناطقی دوره (۱۹۸۴-۲۰۰۹)

Effect of Economic- Social Variables on Ethnic Tension Reduction in Selected MENA Countries (1984-2009)

Mohammadali Motafakker Azad*

Zahra Karimi Takanlo**

Mohammadreza Salmani Bishak***

Elnaz Hasan Nezhad Daneshmand****

محمدعلی متفکرآزاد*، زهرا کریمی تکانلو**، محمدرضا

سلمانی بی شک***، الناز حسن نژاد دانشمند****

Received: 22/Dec/2013

Accepted: 16/April/2014

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۷

Abstract:

In recent decades, the process of globalization and its effects have resulted in movements on the side of ethnic minorities, called ethnic conflicts and ethnic tensions in developing countries particularly in those with ethnic varieties. On the other hand, increase in social and political awareness leads to reinforced morale and solidarity towards common national preferences and interests besides an increased plea for pacifism and social and political equilibrium on the side of minorities. As a consequence, this new stable and peaceful status will pave the path for economic growth as a results of which access to social and economic rights will be facilitated and injustice will decrease. Finally, the foregoing results will lead to decreased violence and conflicts and the provision of more facilities under this new air of mutual understanding. In this study, we examined the effect of economic - social variables on ethnic tensions in selected 11 countries of the MENA (Bahrain, Egypt, Iran, Iraq, Kuwait, Lebanon, Oman, Saudi Arabia, Sudan, Tunisia and the United Arab Emirates) by using panel data for (1984-2009) period. Results show that economic - social variables (unemployment, inflation, income inequality) have positive significant effects on ethnic conflicts. On the other side, economic growth has negative significant effect on ethnic conflict.

Keywords: Ethnic Tensions, MENA countries, Democracy, Globalization, Market Dominant Minorities (MDM).

JEL: P51, D74, F60.

چکیده:

فرایند جهانی شدن و پیامدهای آن در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشورهایی که از تنوع قومی برخوردارند منجر به حرکت‌هایی از سوی اقلیت‌های قومی شده است که از این حرکت‌ها با نام درگیری و کشمکش‌های قومی یاد می‌شود. از سوی دیگر، رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی موجب تقویت روحیه، وحدت و همدلی حول منافع و مصالح ملی و افزایش تقاضا نسبت به صلح‌طلبی، آرامش سیاسی و اجتماعی از جانب اقلیت‌ها می‌شود که این فضای آرام و باثبات، شرایط مناسبی برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند که در نتیجه آن دسترسی به حقوق اجتماعی و اقتصادی فراهم و نابرابری‌ها کاهش می‌یابد و نهایتاً این امر به کاهش خشونت‌ها و درگیری‌ها و تأمین بیشتر امکانات از فضای همدلی منتهی می‌گردد. در این مطالعه اثر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر کاهش اختلافات قومی در طی دوره زمانی (۱۹۸۴-۲۰۰۹) و با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی برای یازده کشور حوزه منا (شامل کشورهای بحرین، مصر، ایران، عراق، کویت، لبنان، عمان، عربستان سعودی، سودان، تونس و امارات متحده عربی) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از اثر مثبت و معنی‌دار متغیرهای اقتصادی - اجتماعی (نرخ بیکاری، نرخ تورم، نابرابری درآمدی) بر میزان اختلافات قومی می‌باشد. از طرف دیگر، رشد اقتصادی اثر منفی و معنی‌دار و جهانی شدن اثر مثبت و معنی‌دار بر میزان اختلافات قومی دارد.

کلمات کلیدی: اختلافات قومی، کشورهای عضو منا، دموکراسی، جهانی شدن، اقلیت‌های غالب بازار (MDM).

طبقه‌بندی JEL: P51، D74، F60.

* استاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

Email: M.Motafakker@gmail.com

** استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز

Email: Zkarimi1355@yahoo.com

*** استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز

Email: Mrsalmani_2005@yahoo.com

**** دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تبریز

Email: Economist.ed@hotmail.com

* Professor of Economics, Tabriz University, Tabriz, Iran (Corresponding Author).

** Assistant Professor of Economics, Tabriz University, Tabriz, Iran.

*** Assistant Professor of Economics, Tabriz University, Tabriz, Iran.

**** M.A. in Economics, Tabriz University, Tabriz, Iran.



۱- مقدمه

ورود ادبیات جدید به حوزه علم اقتصاد در سال‌های اخیر از رشد به‌سزایی برخوردار بوده است. این مفاهیم جدید که ناشی از توسعه جوامع انسانی و پیچیده‌تر شدن فرایندهای مربوط به ارتباطات ملل مختلف بوده‌اند، همواره جریان‌ات اقتصادی را نیز تحت تأثیر خود درآورده‌اند. دهکده جهانی و ارائه تعاریف جدید از یکپارچگی جهانی و انتقال دانش از ورای مرزها به داخل، همواره نوع تفکرات مردم را تحت تأثیر خود قرار داده است. چرا که واژه‌هایی از قبیل جهانی شدن، دیدگاه‌ها و تفکرات ملل مختلف را در کنش متقابل میان فرهنگ‌ها و سنت‌های متفاوت، به‌همراه داشته است. فرایند انتقال فرهنگ و آثار آن بر کشور مبدأ، ذهن کارشناسان را به بررسی این مقوله مؤثر واداشته است؛ اما در این میان نباید از این سؤال غافل شد که این فرایندهای پیچیده چگونه می‌توانند حوزه‌های مربوط به ساختارهای اقتصادی یک جامعه را از طریق تغییر نوع رفتار مردم، تغییر دهند؟ از این حیث جهت بررسی آثار مقوله‌های جدید اجتماعی- فرهنگی بر علم اقتصاد تفکرات جدیدی در این حوزه به وجود آمد. لازم به ذکر است که این امر به‌ویژه در کشورهایی که از تنوع قومیتی در ساختار جمعیتی خود برخوردارند به دلیل نوع سازش و هم‌زیستی متنوع چند فرهنگی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. چرا که اصل جهانی شدن همواره آثار و تبعات فرهنگی به‌دنبال دارد که نتیجه این پیامد می‌تواند در کارایی یا ناکارآمدی اقتصادی یک کشور خلاصه شود. از طرف دیگر جهانی شدن هم‌ارز با فرایند دیگری به‌نام دموکراسی بیان می‌شود که می‌تواند منجر به افزایش تقاضا برای اصلاحات سیاسی از طریق افزایش آگاهی عامه مردم نسبت به حقوق اساسی خود شود. چرا که در اصلی‌ترین تعریف، دموکراسی اراده مردمی در جهت نیل به منافع عامه شناخته می‌شود؛ اما باید توجه داشت که نوع اثرگذاری این دو عامل در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد. یکی از عوامل مهمی که نوع اثرگذاری را متمایز می‌کند بحث تنوع قومیتی می‌باشد چرا که در این کشورها اقلیت‌های قومی همواره در جهت تسلط بیشتر بر بازار و داشتن سهم بالاتری از اقتصاد در

رقابت هستند (چوآ، ۲۰۰۳: ۶).

اقلیت‌های قومی در اصطلاح اقتصادی با عنوان اقلیت‌های غالب بازار^۱ یا به اختصار MDM مطرح می‌شوند. تعریف جامعی که چوآ (۲۰۰۳: ۶) در مطالعات خود ارائه داده است بدین شرح می‌باشد «اقلیت‌های قومی شامل توده‌های مردمی است که به دلایل مختلف و به طور وسیع و چشم‌گیر بیش از اکثریت جامعه دارای مزیت‌های بزرگ اقتصادی می‌باشند که این اقلیت‌های قومی معمولاً از نظر اقتصادی مسلط و غالب بر بازار و اکثریت می‌شوند.» یکی از جنبه‌های مهم این تعریف قومیت است؛ و به طور وسیعی در نظر گرفته شده است و چوآ (۲۰۰۳: ۱۴) به تفاوت‌های نژادی، حوزه‌های جغرافیایی و منطقه‌ای و همچنین به تفاوت زبانی، مذهبی، قبیله‌ای یا به تفاوت در خطوط فرهنگی اشاره می‌کند. از طرفی می‌توان به این مسئله نیز اشاره کرد که در کشورهایی که از تنوع قومی برخوردارند، توزیع نابرابر درآمد و شکاف طبقاتی حاصل آمده از رشد نامتوازن اقتصادی و جهانی شدن، احتمال ایجاد اختلافات داخلی بین قومیت‌ها را افزایش می‌دهند که در نتیجه این کشمکش و نابسامانی، ثبات اقتصادی کشور مورد تهدید قرار می‌گیرد. اهمیت مطالعه و بررسی این مسئله از آنجا مشخص می‌شود که در کشورهایی که از تنوع قومی در ساختارهای جمعیتی خود برخوردارند، رشد و پویایی اقتصادی تنها در صورتی می‌تواند به صورت عاملی پایدار و پیش‌برنده باشد که با عدالت و بهبود در توزیع برابر درآمد همراه شود تا از این رو با ایجاد فضای امن و باثبات اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه، به ثبات سیاسی و وحدت و انسجام ملی هر چه بیشتر بیانجامد.

هدف از مطالعه حاضر، بررسی اثر متغیرهای اقتصادی- اجتماعی بر کاهش یا افزایش اختلافات قومی در طی دوره (۲۰۰۹-۱۹۸۴) در حوزه کشورهای منا (شامل کشورهای بحرین، مصر، ایران، عراق، کویت، لبنان، عمان، عربستان سعودی، سودان، تونس و امارات متحده عربی) می‌باشد. در این مطالعه پس از بیان مقدمه، در قسمت دوم ادبیات موضوع و مطالعات تجربی (داخلی و خارجی) ذکر خواهد شد و در

1. Chua (2003)

2. Market-Dominant Minorities

۳. به دلیل عدم سرکوب خشونت ایجاد شده مابین اکثریت مردم در حکومت‌های دموکراتیک، این خشونت‌ها در نهایت می‌تواند تبدیل به خشونت‌های داخلی شود (هانتینگتون^۱، ۱۹۶۸: ۲۳ و گلسر^۲، ۲۰۰۵: ۸۶-۸۵).

این مطالعه نیز سعی بر آن دارد تا به بررسی حالت سوم در کشورهای مورد بررسی بپردازد. چرا که شواهد دنیای واقع‌گویی این واقعیت است که دموکراسی و جهانی شدن اصولاً عامل کاهش‌دهنده اختلافات داخلی کشورها می‌باشد، با این حال ارتباط این دو متغیر با درگیری‌های داخلی، هنوز مشخص نشده است (اونیل و راست^۳، ۲۰۰۰: ۵۹-۵۸) و (سمبانیس^۴، ۲۰۰۲: ۲۴۳-۲۱۵).

اما اکنون این سؤال مطرح است که جهانی شدن و دموکراسی از چه کانال‌هایی به درگیری و اختلاف منجر می‌شود؟ گلدبرگ و پاوکینک^۵ در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافته‌اند که جهانی شدن اقتصاد در بیش از ۳۰ سال گذشته، تجارت، مهاجرت، جریان‌های سرمایه‌ای و نابرابری درآمد داخلی را افزایش داده است؛ و این دلالت بر این دارد که نابرابری مابین اقلیت‌های غالب بازار و مابقی مردم، سطح فقر را افزایش می‌دهد که نتیجه آن منجر به خشونت علیه اقلیت‌های غالب بازار می‌گردد (گلدبرگ و پاوکینک، ۲۰۰۷: ۵۹-۵۸). بلتمن و میگوئل^۶ با مطالعه عوامل مؤثر در جنگ و اختلافات قومی داخلی به تشریح این مسئله می‌پردازند که درآمد سرانه و رشد اقتصادی پایدار منجر به کاهش اختلافات قومی می‌شود؛ اما اگر این رشد به صورت نامتوازن در بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی صورت پذیرد یا از نظر توزیع جغرافیایی نامتناسب باشد می‌تواند منجر به افزایش اختلافات قومی شود (بلتمن و میگوئل، ۲۰۱۰: ۵۷-۳).

بیکاری نیز تا حدود زیادی بخشی از جامعه را که محروم از فرایندهای اقتصادی از جمله دستمزد کار می‌باشد تهدید می‌کند و بنابراین ناتوانی در سهم شدن سودها را

قسمت سوم معرفی الگو، روش تحقیق، منابع داده‌ها و اطلاعات آماری پرداخته می‌شود. قسمت چهارم نیز به برآورد الگو و تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته است. در پایان هم نتیجه‌گیری کلی و پیشنهادهای سیاستی ارائه شده است.

۲- مروری بر ادبیات موضوع و مطالعات انجام شده

چووا در تبیین تأثیر سایر متغیرها بر اختلافات قومی معتقد است که فقر فراگیر و وجود اقلیت‌های قومی و به دنبال آن ترکیب بازار آزاد و دموکراسی به طور مکرر اختلافات قومی را تسریع می‌بخشد که عواقب فاجعه بار آن شامل خشونت و نسل‌کشی می‌باشد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اقلیت‌های قومی بیش از اکثریت جامعه از مزایای اقتصادی برخوردار می‌باشند. به‌عنوان نمونه می‌توان به لبنانی‌ها در غرب آفریقا و سرخ‌پوستان در شرق آفریقا اشاره نمود (چووا، ۲۰۰۳: ۱۶). در حقیقت چووا آنها را اقلیت‌های غالب بازار خطاب نموده است که اقلیت‌های غالب بازار، بخش‌های بزرگی از بازار جهانی اقتصاد را به شکل نامناسب و منفعت‌طلبانه به کنترل خود درآورده‌اند. از این جهت چووا (۱۹۹۵، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳) این فرضیه را مطرح می‌کند که آیا افزایش این نابرابری اقتصادی میان اقلیت غالب بازار و اکثریت جامعه می‌تواند منجر به ایجاد خشم در لایه‌های فقیر جامعه و در نهایت واکنش نسبت به آنان نماید یا خیر؟ به طور کلی سه شکل از واکنش می‌تواند تحولات اجتماعی را تسریع بخشد که عبارتند از:

۱. ایجاد ائتلاف و لابی‌گری طبقه ثروتمند غالب بر بازار با سیاست‌مداران که در جهت حفظ منافع این طبقه ایجاد می‌شود و در تقابل با دموکراسی خواهی اجتماعی صورت می‌گیرد (چووا، ۲۰۰۳: ۱۴۷).
۲. افزایش نارضایتی اکثریت جامعه از نابرابری‌ها با واکنش علیه اقلیت‌های غالب بر بازار مشخص می‌شود که در نهایت موجب بروز بی‌ثباتی و نااطمینانی سرمایه‌گذاران از ساختار بازار می‌شود.

1. Huntington (1986)
2. Glaeser (2005)
3. O'Neal & Russet (2000)
4. Sambanis (2002)
5. Goldberg & Pavcnik (2007)
6. Blattman & Miguel (2010)



جریان‌های سرمایه‌ای و نابرابری درآمد داخلی را افزایش داده است (گلدبرگ و پاوکینک، ۲۰۰۷: ۸۲-۳۹). در واقع جهانی شدن جریان قدرت ثروت را به خارج از ائتلاف‌های مسلط بر بازار و اقلیت هدایت می‌کند که توانایی اکثریت را برای مبارزه افزایش می‌دهد. در دومین استدلال دموکراسی مقدمه‌ای برای حذف نهادهای سرکوبگر است که احتمالاً در کشورهایی با اقلیت‌های قومی منجر به خشونت داخلی می‌گردد (هاتینگتون، ۱۹۶۸: ۲۷-۲۶).

فروض و اصول اساسی در تبیین علت اختلافات و درگیری‌ها در چهار نکته متمرکز می‌شود (بزم و جانگ‌پین، ۲۰۱۳: ۱۲۵-۱۰۸):

۱- آستانه خشونت کم ۲- تنوع قومی بیشتر ۳- رسیدن به دموکراسی بیشتر ۴- جهانی شدن

۱- آستانه خشونت کم: آستانه خشونت پایین به علت فقر بالا، جمعیت جوان و فراکسیونالیزیشن^۶ بالا می‌باشد. مطالعات کولیر و هوفلر (۲۰۰۲: ۵۷۳-۵۶۳)، کولیر و هوفلر^۷ (۲۰۰۴: ۵۹۵-۵۶۳) و فرون و لیتین^۸ (۲۰۰۳: ۹۰-۷۵) به طور ضمنی نشان می‌دهد که در صورت مهیا بودن شرایط مذکور تا حدودی می‌توان انتظار حداقل آستانه خشونت و اختلافات را داشت. چرا که در این شرایط جمعیت برای احیای حقوق خود به طور متوسط تمایل به خشونت و درگیری دارند.

۲- تنوع قومی بیشتر: دومین دلیل این است که تنوع قومیتی، رقابت برای به دست گرفتن سهم بیشتری از اقتصاد و بازار را به همراه خواهد داشت.

۳- رسیدن به دموکراسی بیشتر: فضای دموکراسی از شرایط حکومت‌های سخت و شدید استبدادی می‌کاهد، فضای باز و قدرت اعتراض را افزایش می‌دهد؛ بنابراین تلاش برای دستیابی به دموکراسی بیشتر نیز باعث ایجاد خشونت و درگیری می‌گردد.

انعکاس می‌دهد که احتمالاً باعث افزایش اختلافات و درگیری می‌شود. نابرابری درآمدی که با شاخص ضریب جینی محاسبه می‌شود باعث ترویج خشم و خشونت شده که احتمالاً درگیری و اختلافات بیشتری به همراه خواهد داشت.

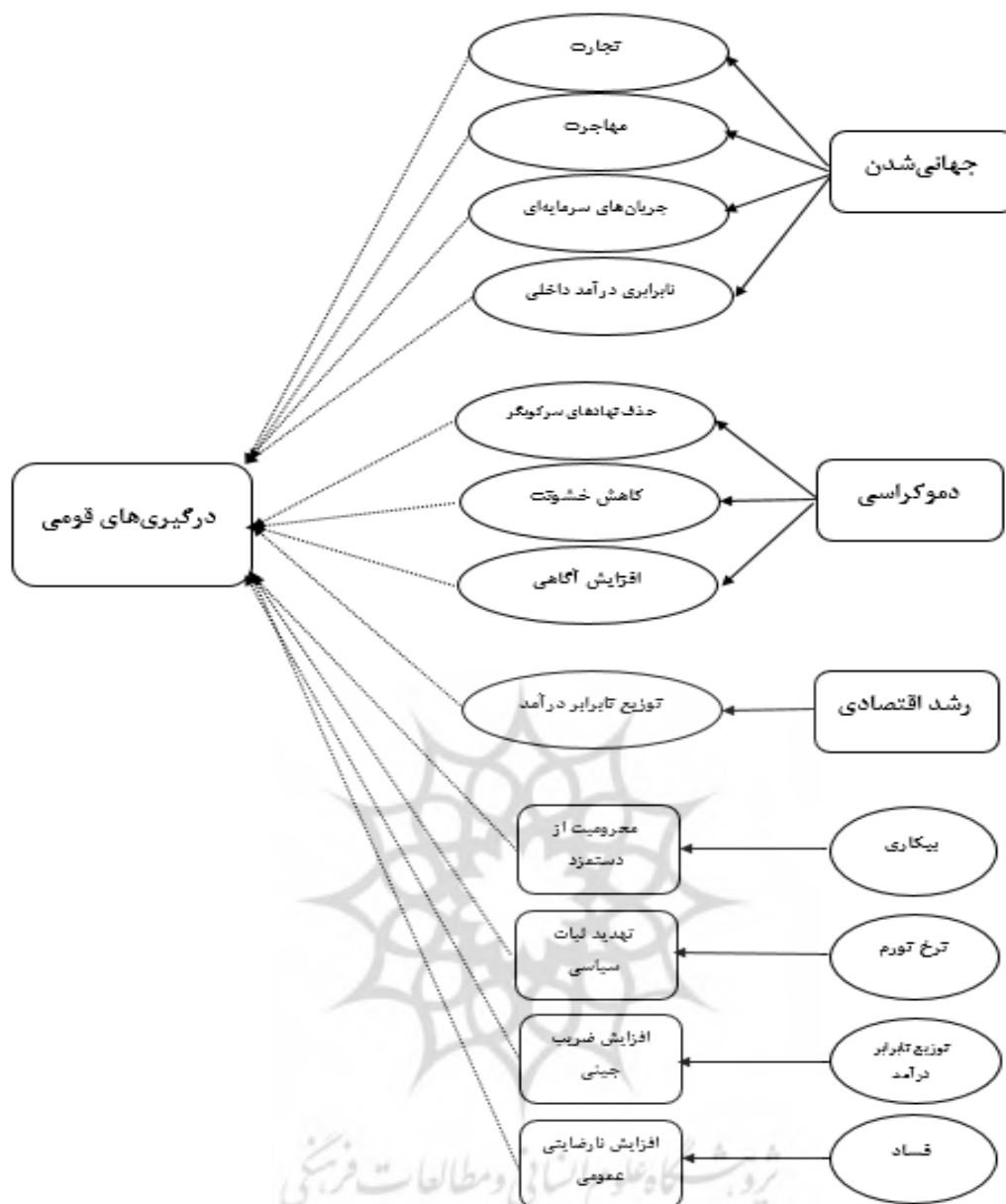
سطح فساد بالا نیز به عنوان یک شکل اخاذی توسط کسانی که در قدرت هستند تلقی می‌شود و به عنوان محرک دیگری برای افزایش خشم و تنش محسوب می‌شود. از طرفی نرخ تورم بالا نیز به عنوان عامل تهدید کننده ثبات اقتصادی یک کشور مطرح می‌شود که به طور معمول نیز تهدید ثبات سیاسی را به همراه دارد و جو اختلاف و درگیری‌ها را تشدید می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، شکل (۱) کانال‌های اثرگذاری متغیرهای مورد مطالعه بر درگیری‌های قومی را نشان می‌دهد که از پژوهش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی جمع‌آوری شده است (استرلی و لوین^۱، ۱۹۹۷: ۱۲۵۰-۱۲۰۳؛ کولیر^۲، ۲۰۰۱: ۱۶۶-۱۲۷، البادوی و سمبانیس^۳، ۲۰۰۰: ۲۶۹-۲۴۴، هگره و همکاران^۴، ۲۰۰۱: ۴۸-۳۳؛ چوو^۵، ۲۰۰۳: ۱۴۷-۶ و بزم و جانگ‌پین^۵، ۲۰۱۳: ۱۲۵-۱۰۸).

با توجه به شکل ۱ اگر رشد اقتصادی به صورت متوازن در تمامی بخش‌های اقتصادی به وجود آید و در صورت وجود یک سیستم مالیاتی کارآمد می‌تواند منجر به توزیع عادلانه درآمد و کاهش نابرابری شود و از این طریق باعث کاهش خشونت‌های قومی می‌شود. در غیر این صورت رشد نامتوازن اقتصادی می‌تواند، خشونت‌ها و تنش‌ها را در جامعه افزایش دهد، زیرا اختلافات طبقاتی را افزایش داده و از این طریق نارضایتی‌های قومی را می‌تواند تشدید نماید. دو فرضیه اساسی در تدوین استدلال‌های فوق وجود دارد. اولین فرضیه این است که احتمالاً جهانی شدن و بازار آزاد موجب افزایش خشونت می‌شود. جهانی شدن اقتصاد از بیش از ۳۰ سال گذشته، تجارت، مهاجرت، انتقال

۶. فراکسیونالیزیشن (fractionalization): به احتمال انتخاب تصادفی دو نماینده از دو حزب سیاسی مختلف به صورت قانونی، فراکسیونالیزیشن می‌گویند، البته این اصطلاح به معنی تکه تکه شدن و تقسیم سیاسی نیز گفته می‌شود یا به نوعی عدم انسجام در عرصه سیاسی نیز اطلاق می‌گردد.

7. Collier & Hoeffler (2002)
8. Fearon & Laitin (2003)

1. Easterly & Levine (1997)
2. Collier (2001)
3. Elbadawi & Sambanis (2000)
4. Hegre et al. (2001)
5. Bezemer & Jong-A-Pin (2013)



شکل (۱): کانال‌های اثرگذاری متغیرهای اجتماعی - اقتصادی بر اختلافات قومی

مأخذ: البادوی و سمبانیس (۲۰۰۰: ۲۶۹-۲۴۴)، چوآ (۲۰۰۳: ۱۴۷-۶) و گلدبرگ و پاوکینک (۲۰۰۷: ۸۲-۳۹)

دریافت سودهای کلان از راه سرمایه‌گذاری‌ها بود. با این حال اگر فرصت‌های رشد اقتصادی و سودآوری به صورت عادلانه توزیع نشود، توزیع نابرابر درآمد را تشدید می‌کند و باعث افزایش خشونت‌ها می‌گردد (بلدوین و مارتین^۱، ۱۹۹۹: ۷-۵).

۲-۱- ارتباط جهانی شدن-نابرابری درآمدی و فقر با اختلافات قومی

فرایند جهانی شدن منجر به یکپارچگی هر چه بیشتر اقتصاد

۴- جهانی شدن: در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ موج دومی از جهانی شدن آغاز گردید که از نظر سرعت، نرخ و مقیاس در رتبه بالاتری نسبت به دوره ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۳ که دوره آغازین جهانی شدن است، برخوردار بود. در موج دوم، ماهیت ادغام کشورهای با تنوع قومیتی بالاتر متفاوت‌تر از دیگر کشورهای در حال توسعه بود در حالی‌که اتصال اقتصاد کشورهای در حال توسعه به اقتصاد جهانی که دارای اقلیت‌های قومی می‌باشند، باعث دسترسی بیشتر آنها به جریان‌های جهانی در تجارت کالا و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در نتیجه

1. Baldwin & Martin (1999)



تأثیر می‌پذیرد؟ یا رشد بر صادرات اثر می‌گذارد؟ یا اینکه این دو متغیر به صورت چرخه‌ای با یکدیگر ارتباط دارند؟ یک رهیافت ابزاری که توسط فرانکل و رومر^۴ (۱۹۹۹: ۳۷۹-۳۹۹) ارائه شد پاسخ قانع‌کننده‌ای درباره جهت علیت این دو شاخص اقتصادی مطرح کرد. در این رهیافت اقتصادی، تجارت بر رشد اقتصادی به‌وسیله افزایش سرمایه انسانی و فیزیکی و با تقویت افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید اثر می‌گذارد.

۲- سیاست جایگزینی واردات: کشورهایی که در تجارت آزاد، از سیاست جایگزینی واردات بهره می‌جویند در کوتاه‌مدت از صنایع داخلی که در مقابل واردات آسیب‌پذیر می‌باشد حمایت می‌کنند. اگر چه این سیاست موجب کاهش درآمد حاصل از تعرفه برای دولت می‌گردد اما باید مدنظر داشت که پیامدهای منفی این سیاست از طریق تخصیص منابع کارآمد و کسب سود رقابتی جبران شده و در نهایت منتهی به افزایش رشد می‌گردد.

۳- جریان‌های سرمایه‌ای ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: سومین کانال از طریق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، موجودی اوراق بهادار و جریان‌های خارجی دیگر بر تولید داخلی و در نهایت بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت می‌گذارد. بسیاری از مطالعات تجربی همچون مطالعاتی که توسط دوللار^۵ (۱۹۹۲: ۵۴۴-۵۲۳)، دوللار و کرای^۶ (۲۰۰۲: ۲۲۵-۱۹۵) و ساکس و وارنر^۷ (۱۹۹۵: ۲۵-۲۱) بر اساس رگرسیون‌های مقطعی کشورها صورت گرفته است حاکی از اثرات مفید رژیم باز اقتصادی بر رشد می‌باشد.

باعنایت به مبانی نظری ذکر شده و شکل (۲) می‌توان گفت که چنانچه آزادسازی و رشد اقتصادی به‌صورت صحیح هدایت شده و درآمدها به‌صورت عادلانه توزیع گردد، ثبات سیاسی و اجتماعی افزایش یافته و خشونت و درگیری‌های قومی کاهش خواهد یافت؛ اما چنانچه جهانی شدن از طریق تجارت آزاد و رشد اقتصادی، فرصت‌های سودآوری را به‌صورت عادلانه توزیع نکند و نابرابری‌ها را تشدید نماید

جهانی می‌گردد و در دهه‌های اخیر جریان‌هایی نظیر تجارت، سرمایه، نیروی کار، تکنولوژی و اطلاعات از طریق فرایند مذکور فراتر از مرزهای ملی شتاب گرفته و فضایی مساعد برای افزایش روزافزون رشد اقتصادی و جریان انتقال فناوری و دانش را ایجاد کرده است. بدیهی است که نیروهای جهانی شدن پتانسیل قوی را برای کاهش عمده فقر در دنیای در حال توسعه فراهم می‌کنند (دادگر و ندیری، ۱۳۸۴: ۳۶-۱). علی‌رغم این مزایا، نیسانکه و توریک^۱ (۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸) در پژوهشی فاکتورهای ساختاری و سیاسی را که در داخل اقتصادهای ملی و اقتصادهای جهانی مانع از انتقال مزیت‌های جهانی شدن، نظیر «کاهش فقر» می‌باشد را مورد ارزیابی قرار داده و ارتباط جهانی شدن، نابرابری درآمدی و فقر را با تمرکز بر کانال‌هایی که جهانی شدن از طریق آنها تأثیر به‌سزایی بر نابرابری درآمدی و فقر می‌گذارد را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند؛ که در زیر به ذکر این کانال‌ها و اثرات جهانی شدن بر توزیع نابرابر درآمد و فقر خواهیم پرداخت.

۲-۲- ارتباط جهانی شدن، تجارت آزاد، رشد اقتصادی و اختلافات قومی

اثرات افزایش رشد و رفاه سیاست‌های آزادسازی از طریق تجارت آزاد و جریان‌های سرمایه‌ای بر گزاره‌های اساسی تعبیه‌شده در تئوری‌های معروف تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری (مزیت نسبی ریکاردو^۲، نظریه هیکشر-اوهلین^۳، ...) مورد حمایت قرار گرفته است. آزادسازی تجاری می‌تواند از طریق سه کانال بر رشد اقتصادی تأثیر گذارد: ۱- صادرات ۲- سیاست جایگزینی واردات ۳- جریان‌های سرمایه‌ای ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

۱- صادرات: تجارت آزاد، صنایع صادراتی را برای تولید بیشتر تشویق می‌کند که این امر به نوبه خود به رشد تولید ناخالص داخلی کمک می‌کند. هرچند که ارتباط این دو متغیر به‌طور نسبی شفاف می‌باشد اما بحث‌هایی درباره جهت علیت این دو متغیر اقتصادی وجود دارد یعنی آیا صادرات از رشد اقتصادی

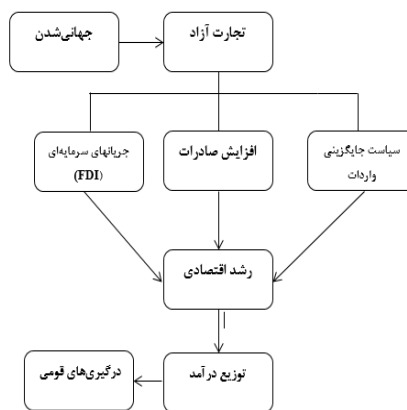
4. Frankel & Romer (1999)
5. Dollar (1992)
6. Dollar & Kraay (2002)
7. Sachs & Warner (1995)

1. Niskanen & Thorbecke (2006)
2. Ricardo
3. Heckscher-Ohlin theorem

موجب بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی گردیده و بنابراین خشونت‌ها را افزایش می‌دهد.

شکل (۲): کانال‌های اثرگذاری جهانی شدن - تجارت آزاد - رشد

اقتصادی بر توزیع درآمد و درگیری‌های قومی



مأخذ: جووا (۲۰۰۳: ۱۴۷-۶)، نیسانکه و توربیک (۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸) و بیلتمن و میگوئل (۲۰۱۰: ۵۷-۳)

۲-۳- ارتباط متقابل رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی

دومین ارتباط در زنجیره علت و معلولی از جهانی شدن و تجارت آزاد به فقر، ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی است. دو تئوری متناقض در این زمینه وجود دارد که نابرابری درآمدی و ثروت را به رشد ارتباط می‌دهد. رهیافت کلاسیکی کالدور^۱ بیانگر این مطلب است که یک میل نهایی به پس‌انداز بیشتر در میان ثروتمندان نسبت به فقرا وجود دارد که این امر گویای این حقیقت است که نابرابری درآمد اولیه موجب پس‌انداز بیشتر در این گروه گردیده که در پی این عملکرد تجمع سرمایه و رشد در بین آنان فزونی می‌یابد؛ بنابراین بر اساس دو عامل، عدم تفکیک سرمایه^۲ و به عبارتی متراکم شدن سرمایه متعلق به افراد ثروتمند و اثرات انگیزشی از قبیل عدم وجود انگیزه‌های کافی برای سرمایه‌گذاری، توزیع درآمد را ناعادلانه‌تر ساخته و از این رو به نفع رشد عمل کرده و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد (نیسانکه و توربیک، ۲۰۰۶:

۱۳۶۰-۱۳۳۸).

در مقابل تئوری‌های اقتصاد سیاسی جدیدی وجود دارد که نابرابری درآمدی را از طریق چندین کانال به کاهش رشد ارتباط می‌دهند. این کانال‌ها به ترتیب عبارتند از:

۱. فعالیت‌های رانت‌جویانه و غیرمولد که موجب کاهش امنیت دارایی گشته و در نتیجه باعث کاهش رشد می‌گردد.

۲. انتشار بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی که منجر به افزایش نااطمینانی در عرصه اقتصادی می‌گردد و از این طریق سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

۳. سیاست‌های توزیع مجدد ثروت، نابرابری درآمدی را تشویق نموده و از این طریق منجر به تجمع منابع و کاهش سرمایه‌گذاری می‌گردد. بدین طریق که معمولاً رأی‌دهندگان فقیر متقاضی توزیع مجدد ثروت می‌باشند که این امر به نوبه خود مالیات ثروتمندان را افزایش می‌دهد و انگیزه‌ای برای عدم سرمایه‌گذاری و متراکم شدن منابع می‌شود.

۴. وجود بازار سرمایه ناقص عاملی محسوب می‌گردد که فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای افراد فقیر، به ویژه در بخش سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد.

۵. سهم اندک طبقه متوسط جامعه از درآمد حاکی از توزیع ناعادلانه درآمد است که این امر اثر قوی و مثبتی بر باروری گذاشته و به نوبه خود تأثیر قابل توجه و منفی بر رشد اقتصادی می‌گذارد.

۲-۴- ارتباط نابرابری - رشد اقتصادی - فقر و اختلافات اجتماعی

در ادبیات جدید تأثیر نابرابری بر انگیزه‌ها، اختلافات اجتماعی، هزینه‌های معامله و حقوق مالکیت تأکید گردیده است. مطالعات اخیر که توسط دانشگاه سازمان ملل متحد مؤسسه تحقیقات توسعه اقتصادی (UNU-WIDER)^۳ به انجام رسیده است، ارتباط مابین رشد و فقر را مورد ارزیابی قرار داده‌اند (ادیسون و کورنیا،^۴ ۲۰۰۱: ۳۱-۱ و کورنیا و کورت،^۵ ۲۰۰۱: ۴۰-۱). بر

3. United Nations University-World Institute For Development Economics Research

4. Addison & Cornia (2001)

5. Cornia & Court (2001)

1. Kaldor

۲. عبارتست از تقسیم‌ناپذیری عوامل تولید (نیروی کار و تجهیزات) به واحدهای کوچکتر. مثلاً نمی‌توان یک تراکتور را کوچک کرد تا برای شخم‌زدن یک هکتار زمین باصرفه شود.

تنش‌ها را در جامعه افزایش دهد، زیرا اختلافات طبقاتی را افزایش داده و از این طریق نارضایتی‌های قومی را می‌تواند تشدید نماید.

۲-۵- سایر کانال‌های تأثیرگذاری جهانی شدن بر نابرابری درآمدی و فقر

کانال‌های دیگری وجود دارد که جهانی شدن از طریق آنها بر نابرابری و فقر تأثیر می‌گذارد که در زیر به شرح این کانال‌ها می‌پردازیم:

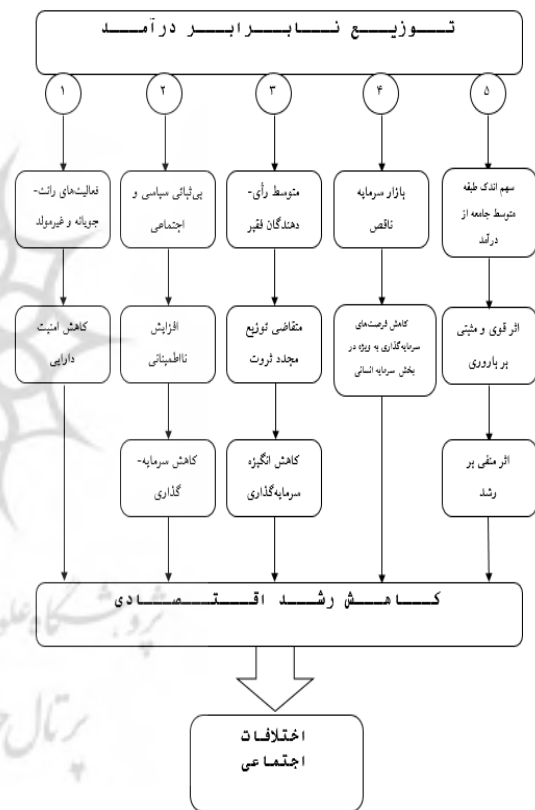
۱- تغییر در قیمت‌های نسبی تولید و عوامل: اثرات توزیع درآمد ناشی از تغییر قیمت‌های نسبی تولید در فرایند تجارت آزاد توسط قضیه استولپر-ساموئلسون^۱ در تجارت بین‌الملل به خوبی شناخته شده است. این قضیه تحت فرضیات مدل هیکشر اوهلین این حقیقت را بیان می‌دارد که حرکت از وضعیت اقتصاد بسته به تجارت آزاد به وضوح پاداش عاملی را افزایش می‌دهد که دارای شدت استفاده در کالایی است که قیمت آن فزونی یافته و پاداش عاملی را که دارای شدت استفاده در کالایی که قیمت آن کاهش یافته است را تنزل می‌دهد (کازرونی، ۱۳۸۶: ۷۱)؛ بنابراین جهانی شدن از طریق تغییر قیمت‌های نسبی در بازار عوامل تولید و بازار محصول، توزیع درآمد را ناعادلانه‌تر ساخته و از این طریق بر فقر تأثیر می‌گذارد (نیسانکه و توربک، ۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸).

۲- تحرک عوامل تولید: موفقیت یا عدم موفقیت جهانی شدن را می‌توان از طریق تحرک عوامل تولید به خارج از مرزهای کشور که باعث تغییر در قیمت‌های نسبی عوامل تولید می‌گردد مورد ارزیابی قرار داد. بر اساس نظریات مطرح شده توسط هیکشر اوهلین و ساموئلسون، با مهاجرت عامل سرمایه، دستمزد نیروی کار در کشور مبدأ کاهش یافته لیکن در کشور مقصد، دستمزد نیروی کار با فراوانی عامل سرمایه فزونی می‌یابد (کالپر، ۲۰۰۲: ۸-۱).^۲

در موج فعلی جهانی شدن سه ویژگی متمایز از تحرک عوامل تولید را به طور خلاصه ذکر کرده است:

اساس نتایج این مطالعات، ارتباط معر مابین نابرابری و رشد وجود دارد؛ یعنی در سطوح پایین رشد، وجود سطح نابرابری بالا و اثرات بازدارنده آن، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی گشته و از این حیث باعث اختلافات و تنش‌های اجتماعی می‌شود. پژوهش‌هایی که رابطه مابین نابرابری - رشد را مورد ارزیابی قرار داده‌اند، پیشنهاد می‌دهند که هرکشوری که متقاضی کاهش فقر است، ابتدا باید نابرابری را در داخل محدوده گسترده از رشد با ثبات و نابرابری مؤثر کاهش دهند.

شکل (۳): کانال‌های اثرگذاری توزیع نابرابر درآمد بر کاهش رشد اقتصادی، فقر و اختلافات اجتماعی



مأخذ: چوآ (۲۰۰۳: ۱۴۷-۶) و نیسانکه و توربک (۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸)

(۱۳۳۸)

با عنایت به شکل (۳) و مطالب گذشته چنانچه رشد اقتصادی به صورت متوازن در تمامی بخش‌های اقتصادی به وجود آید و در صورت وجود یک سیستم مالیاتی کارآمد می‌تواند منجر به توزیع عادلانه درآمد و کاهش نابرابری شود و از این طریق باعث کاهش خشونت‌های قومی می‌شود. در غیر این صورت رشد نامتوازن اقتصادی می‌تواند، خشونت‌ها و

1. Stolper-Samuelson
2. Culpeper (2002)

کم‌درآمد آسیب‌رسانده و منجر به عمیق‌تر گشتن فقر و توزیع نابرابر درآمد می‌شود (کالپر، ۲۰۰۲: ۸-۱). شواهد بسیاری گویای این حقیقت است که خانواده‌های فقیر در مقابل نوسانات و شرایط نامطلوب (کوتاه‌مدت) آسیب‌پذیر هستند و قادر به محافظت از خود نمی‌باشند یا امکان بهره‌مندی از تجارت آزاد را ندارند. جالب‌توجه است که پژوهش‌های کوز و همکاران^۲ (۲۰۰۶: ۲۰۲-۱۷۶) حاکی از ارتباط منفی نوسانات با رشد در کشورهای در حال توسعه می‌باشد؛ در حالی که این ارتباط در کشورهای توسعه‌یافته مثبت می‌باشد. مفهوم یافته مذکور این می‌باشد که کشورهای فقیر رشد آرامی، همراه با نوسانات فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند (نیسانکه و توربک، ۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸).

۵- تأثیر جهانی شدن بر جریان اطلاعات: جهانی شدن به افزایش عظیم جریان اطلاعات و دانش در سراسر جهان کمک می‌کند. گراهام^۳ (۲۰۰۵: ۲۷-۱۳) معتقد است که جریان فزاینده‌ای از اطلاعات درباره استانداردهای زندگی منجر به تغییر در هنجارها می‌گردد. گروه‌های اجتماعی و اقتصادی یا شغلی در کشورهای فقیر، رفاه و درآمد نسبی خود را با گروه‌های مشابه در کشورهای ثروتمند مقایسه کرده که منجر به افزایش سرخوردگی برای اعضای این گروه‌ها می‌گردد؛ بنابراین جهانی شدن، نوسانات و ناامنی را برای بسیاری از گروه‌ها به ویژه افرادی که با آزادسازی تجارت و سرمایه امکان بهره‌برداری از فرصت‌های جدید را ندارند افزایش می‌دهد (نیسانکه و توربک، ۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸).

۶- مؤسسات بین‌المللی: مؤسساتی که در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود دارد از طریق کانال‌ها و مکانیزم‌های مختلف، جهانی شدن را به فقر ارتباط می‌دهند (سینزینگره، ۲۰۰۵: ۳-۱)؛ بنابراین مؤسسات به عنوان یک فیلتر تشدید یا مانع عمل کرده و از طریق جهانی شدن پیامدهای مثبت و منفی را به داخل کشورها انتقال می‌دهند. نهادهای بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول (IMF) و سازمان تجارت جهانی (WTO)، بر طبق قواعد بازی خودشان،

۱. سرمایه و نیروی کار ماهر به کشورهای فقیر مهاجرت نمی‌کنند.

۲. نیروی کار ماهر کشورهای در حال توسعه گرایش به مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته دارند.

۳. با آزادسازی بازار سرمایه به‌ویژه در دوران‌های بحران و بی‌ثباتی، نیروی کار، انگیزه حرکت به سوی کشورهای توسعه‌یافته دارند.

با توجه به تحرک تبعیض‌آمیز و انحرافی عوامل تولید، وی به این نکته اشاره می‌کند که ممکن است فرایند جهانی شدن در کشورهای توسعه‌یافته، نابرابری درآمدی را کاهش داده در حالی که نابرابری مذکور در کشورهای در حال توسعه فزونی یابد. بدین طریق در طول دهه‌های اخیر جهانی شدن از مجرای تحرک عوامل تولید دارای عملکردی می‌باشد که به‌طور عمیق بر توزیع درآمد بین نیروی کار و سرمایه اثر گذاشته و در نتیجه باعث افزایش فقر می‌گردد (نیسانکه و توربک، ۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸).

۳- پیشرفت‌های فنی و فرایند انتشار تکنولوژی: ماهیت پیشرفت‌های فنی و فرایند انتشار تکنولوژی می‌تواند کانال دیگری محسوب شود که از طریق آن جهانی شدن بر توزیع درآمد و فقر تأثیر می‌گذارد. مطالعات کالپر^۱ (۲۰۰۲: ۸-۱) حاکی از این حقیقت می‌باشد که تغییرات فنی ناشی از فعالیت‌های تحقیق و توسعه در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی و همچنین با توجه به موهبت‌های منابعی که کشورهای مذکور دارا می‌باشند شرایطی را ایجاد می‌کند که از مهارت‌ها حمایت شده اما تقاضا برای نیروی کار غیرماهر به‌طور فاحشی کاهش می‌یابد؛ بنابراین نیروی کار ماهر از جهانی شدن منتفع گشته اما نیروی کار غیرماهر به‌طور قابل توجهی به حاشیه رانده می‌شود که به نوبه خود توزیع درآمد را نابرابر کرده و فقر را گسترش می‌دهد (نیسانکه و توربک، ۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸).

۴- تأثیر جهانی شدن بر نوسانات و آسیب‌پذیری: کثرت آزادی، نوسانات فزاینده و شوک‌های اقتصادی بسیاری را متحمل کشورها می‌سازد؛ که به شدت به خانواده‌های فقیر و

2. Kose et al. (2006)
3. Graham (2005)
4. Sindzingre (2005)

1. Culpeper (2002)

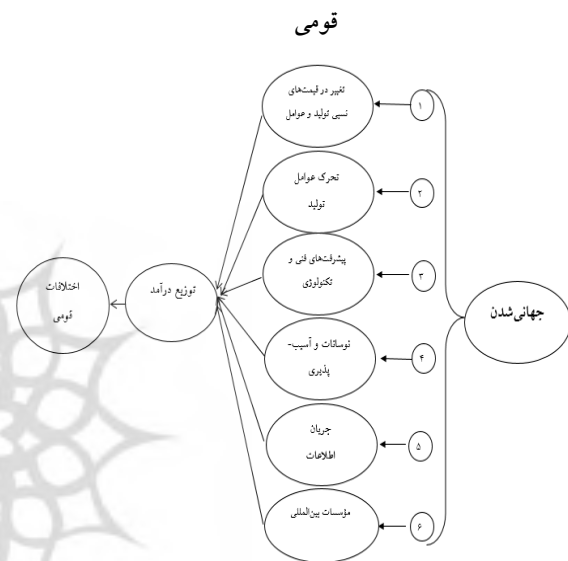
دموکراسی را در قالب یک چارچوب تعادل عمومی پویا بررسی می‌کنند. نتایج این پژوهش بیانگر این مسئله می‌باشد که انتقال حکومت به دموکراسی از یک منشأ داخلی اتفاق می‌افتد و همچنین این انتقال می‌تواند در دوره‌های رشد و رکود اقتصادی رخ دهد. این مدل نشان می‌دهد که نرخ انتقال حکومت از استبدادی به دموکراسی توسط شرایط اقتصادی طبقه متوسط جامعه تعیین می‌شود و به دلیل مواجه شدن با فضای استبدادی و عدم اطلاعات کافی در ارتباط با اثرگذاری سیاست‌های دموکراسی در محیط سیاسی و اقتصادی، انتقال دموکراسی می‌تواند به سرعت یا به آرامی رخ دهد. همچنین این مدل نشان می‌دهد که سرعت انتقال دموکراسی بستگی به نرخ رشد اقتصادی نیز دارد که این عامل به صورت نامتوازن، سرعت انتقال دموکراسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (زاک و فنگ، ۲۰۰۳: ۱-۲۵).

ساتو و فوکوشیگ^۲ در مطالعه‌ای ارتباط میان جهانی شدن و نابرابری درآمدی را برای کشور کره جنوبی در طی دوره زمانی (۱۹۹۵-۱۹۷۵) و با بهره‌گیری از ضریب جینی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه گویای این حقیقت است که از منظر جهانی شدن اقتصاد و آزادسازی بازار کالاها، نابرابری درآمدی در کوتاه‌مدت و بلندمدت کاهش می‌یابد. از طرفی بازار آزاد سرمایه، نابرابری درآمدی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت افزایش می‌دهد (ساتو و فوکوشیگ، ۲۰۰۹: ۶۸-۶۲).
استار^۳ اثر متقابل رشد اقتصادی و درگیری‌های داخلی را در ۴۴ کشور حوزه صحرای آفریقا در دوره (۲۰۰۵-۱۹۶۰) و با استفاده از روش اقتصادسنجی سری زمانی و داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه بر اساس بررسی رابطه دو سویه بین رشد اقتصادی و درگیری‌های داخلی، نشان می‌دهد که افزایش درگیری‌ها موجب نوسانات اقتصادی نمی‌شود (استار، ۲۰۱۰: ۲۰۴-۲۰۰).

برگ و نیلسون^۴ در مطالعه‌ای اثرات جهانی شدن و آزادسازی اقتصادی را بر توزیع درآمد در ۸۰ کشور و در طی دوره زمانی (۲۰۰۵-۱۹۷۰) با استفاده از رهیافت داده‌های

تأثیر عمده‌ای بر فقر می‌گذارند. به همین ترتیب نهادهایی در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارند که از محصولات کشاورزی کشورهای مذکور حمایت کرده و از صادرات محصولات مشابه کشورهای فقیر به کشورهای توسعه‌یافته جلوگیری می‌کنند. در نتیجه مانع از سود بردن از مزایای تجارت آزاد برای کشورهای فقیر می‌شوند (نیسانکه و توریک، ۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸).

شکل (۴): کانال‌های اثرگذاری جهانی شدن بر توزیع درآمد و اختلافات



مأخذ: چوآ (۲۰۰۳: ۱۴۷-۶) و نیسانکه و توریک (۲۰۰۶: ۱۳۶۰-۱۳۳۸)

با توجه به شکل (۴) جهانی شدن از طریق شش کانال می‌تواند بر توزیع درآمد و سپس بر اختلافات اجتماعی و قومی تأثیر بگذارد. بر اساس این یافته‌ها نتیجه می‌گیریم که جهانی شدن ممکن است در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، زمینه‌های بیشتر را برای اختلافات و تنش‌های داخلی از طریق افزایش توزیع نابرابر درآمد و سطح فقر ایجاد نماید.

۲-۶ مروری بر مطالعات پیشین

۲-۶-۱ مطالعات خارجی

زاک و فنگ^۱ در پژوهشی انتقال حکومت از استبدادی به

2. Sato & Fukushige (2009)

3. Starr (2010)

4. Bergh & Nilsson (2010)

1. Zak & Feng (2003)

تابلویی و همچنین با استفاده از شاخص درجه جهانی شدن KOF^۱ و شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر^۲ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج گویای این حقیقت است که تجارت آزاد با نابرابری درآمد دارای ارتباط و همبستگی قوی می‌باشد و همچنین با استفاده از روش GMM و با اضافه کردن چندین متغیر کنترل و کنترل کننده برای متغیرهای توضیحی بالقوه، نتیجه فوق حاصل می‌گردد. علاوه بر این جهانی شدن از منظر اجتماعی و آزادی با نابرابری مرتبط است. همچنین اصلاح اقتصاد در جهت آزادسازی، نابرابری را در کشورهای ثروتمند افزایش می‌دهد. در نهایت اصلاحات پولی، قانونی و جهانی شدن از منظر سیاسی نابرابری را افزایش نمی‌دهند (برگ و نیلسون، ۲۰۱۰: ۵۰۵-۴۸۸).

لئونتاس و همکاران^۳ در مطالعه‌ای ارتباط مابین جهانی شدن و فساد را برای سال ۲۰۰۶ با استفاده از داده‌های مقطعی ۱۲۷ کشور مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج برآورد تحت فرض مدل خطی نشان می‌دهد که همبستگی مثبت مابین جهانی شدن و فساد وجود دارد. از طرف دیگر نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که وقتی حالت خطی کاهش می‌یابد جهانی شدن بر فساد اثر قابل توجهی ندارد؛ بنابراین بر اساس نتایج تحلیل، حالت خطی فقط برای کشورهای با درآمد بالا و متوسط تقریب مناسبی می‌باشد. شایان ذکر است که کشورهایی که با فساد مبارزه می‌کنند نیازمند یک عملکرد جهانی با هدف کاهش فقر می‌باشند (لئونتاس و همکاران، ۲۰۱۱: ۶۴۸-۶۳۶).

فلدمن^۴ در مطالعه‌ای تأثیر فراکسیونالیزشین بر بیکاری را در ۷۴ کشور و طی دوره زمانی (۲۰۰۰-۱۹۹۰) و با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد ارزیابی قرار داده است. بر اساس نتایج این مطالعه، فراکسیونالیزشین با نرخ بیکاری بالاتر از نظر آماری ارتباط معنی‌داری دارد و در نتیجه فراکسیونالیزشین بالاتر، بهره‌وری نیروی کار را کاهش می‌دهد (فلدمن، ۲۰۱۲: ۱۹۵-۱۹۲).

بزم و جانگ‌پین^۵ اثرات جهانی شدن و دموکراسی را بر

خشونت‌های قومی در جنوب آفریقا و در دوره زمانی (۲۰۰۳-۱۹۸۴) و با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از این واقعیت می‌باشد که دموکراسی و جهانی شدن اثر مثبت و معنی‌داری بر درگیری‌ها و خشونت‌های قومی دارد (بزم و جانگ‌پین، ۲۰۱۳: ۱۲۵-۱۰۸).

چانگ و همکاران^۶ در پژوهش خود اثرات صادرات انرژی انرژی و جهانی شدن را بر رشد اقتصادی، برای ۵ کشور قفقاز جنوبی (آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، روسیه و ترکیه) در طی دوره زمانی (۲۰۰۹-۱۹۹۰) با بهره‌گیری از مدل تصحیح تورش حداقل مربعات متغیر مجازی در رهیافت داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فزونی یافتن صادرات انرژی و جهانی شدن، موجب گسترش رشد اقتصادی می‌گردد. علاوه بر این یکپارچگی بالاتر در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با رشد اقتصادی بالاتر در ارتباط می‌باشد. در نهایت آنها به این نتیجه دست یافتند که اثرات متقابل صادرات انرژی و یکپارچگی جهانی و تعامل آنها با یکدیگر، یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی در جنوب منطقه قفقاز محسوب می‌گردد (چانگ و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۴۶-۳۳۳).

در مطالعه‌ای که توسط ماه^۷ به انجام رسیده است، به بررسی اثر آزادسازی تجاری و گسترش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر نابرابری درآمدی در کشور چین، طی دوره زمانی (۲۰۰۷-۱۹۸۵) و با بهره‌گیری از مدل حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) پرداخته شده است. نتایج این مطالعه بیانگر این است که آزادسازی تجاری منجر به نابرابری درآمدی بالا در کشور چین و نااعتبار گشتن تئوری استولپر سامونلسون در تجارت بین‌المللی می‌گردد؛ و همچنین نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر نابرابری درآمدی تأثیر می‌گذارد (ماه، ۲۰۱۳: ۶۵۸-۶۵۳).

1. KOF Index of Globalization
2. Fraser
3. Lalountas et al. (2011)
4. Feldmann (2012)
5. Bezemer & Jong-A-Pin (2013)

6. Chang et al. (2013)
7. Mah (2013)



۲-۶-۲ مطالعات داخلی

متفکر آزاد و ابهری در مطالعه‌ای تأثیر توزیع درآمد بر بهره‌وری و رشد اقتصادی را در طی دوره زمانی (۱۳۸۰-۱۳۴۷) با استفاده از تکنیک‌های موجود در سری زمانی مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر این حقیقت می‌باشد که رفع فقر و بهبود توزیع درآمد نه تنها تأثیر مثبت بر بهره‌وری و رشد اقتصادی دارد، بلکه خود موجب تقویت بهره‌وری نیروی کار و استمرار رشد اقتصادی می‌شود (متفکر آزاد و ابهری، ۱۳۸۴: ۷۳۸-۷۱۳).

دادگر و ندیری در مطالعات خود تأثیر جهانی شدن بر اشتغال صنعتی در ایران در یک دوره ۲۹ ساله (۱۳۸۰-۱۳۵۲) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی و با کمک آمار صنعت در سطح کدهای دو رقمی ISIC (ویرایش دوم) را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج آزمون صورت گرفته حاکی از تأثیر منفی جهانی شدن بر اشتغال‌زایی کل صنعت، صنایع واردات رقابتی و صنایع صادرات محور است (دادگر و ندیری، ۱۳۸۴: ۳۶-۱).

جعفری صمیمی و همکاران در مطالعه‌ای ارتباط بین شاخص‌های ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در طول دوره زمانی (۲۰۰۶-۱۹۹۶) با بهره‌گیری از شاخص‌های عملکرد دولت که توسط بانک جهانی در سال ۲۰۰۷ منتشر شده است و از اطلاعات مربوط به رشد اقتصادی کشورها و مناطق مختلف جهان که توسط صندوق بین‌المللی پول ارائه شده است را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا یک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین در زمینه ارتباط شاخص‌های ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی، تفاوت معنی‌داری بین ایران و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد (جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۷-۵۵).

گرچی و برهانی‌پور در مطالعه‌ای اثرات جهانی شدن بر توزیع درآمد در ایران را در دوره زمانی (۱۳۸۳-۱۳۴۷) با استفاده از روش هم‌جمع‌ی یوهانسون جوسیلیوس بررسی

کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که جهانی شدن با وجود ساختار فعلی اقتصاد ایران باعث افزایش نابرابری شده و وضعیت توزیع درآمد را بحرانی‌تر خواهد کرد (گرچی و برهانی‌پور، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۲۴).

احتشامی در مطالعات خود تأثیر جهانی شدن و دموکراسی را بر صلح و امنیت بین‌الملل با استفاده از روش توصیفی مورد بررسی قرار داده است. در این راستا وظایف و عملکرد ارکان مختلف سازمان ملل و اقدامات دولت‌های بزرگ مطالعه شده و بررسی‌ها نشان می‌دهد که رویکرد غالب در سازمان ملل متحد این است که دموکراسی یکی از پایه‌های اساسی تأمین صلح و امنیت پایدار بین‌المللی است. علاوه بر این به روند تحولات در مفاهیم سه‌گانه (اصل تعیین حق سرنوشت ملت‌ها، اصل عدم استفاده از زور در روابط بین‌الملل و اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها) در اثر جهانی شدن دموکراسی پرداخته شده است و چنین به نظر می‌رسد که زمینه‌های تحول این مفاهیم به واسطه برخی اقدامات دولت‌ها، سازمان ملل متحد و دیوان بین‌المللی دادگستری و دکتترین، در حال شکل‌گیری است (احتشامی، ۱۳۸۸: ۳۷-۱۷).

ابریشمی و همکاران اثرات گوناگون جهانی شدن اقتصاد بر تقاضای کل نیروی کار و همچنین تقاضای نیروی کار ماهر و غیرماهر در ایران را در بازه زمانی (۱۳۸۵-۱۳۵۳) با استفاده از دو مدل ARDL و شبکه عصبی و دو شاخص آزادسازی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان شاخص‌های جهانی شدن مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج گویای این حقیقت است که اثر جهانی شدن بر تقاضای کل نیروی کار مثبت و معنی‌دار بوده و جهانی شدن بر تقاضای نیروی کار ماهر بیشتر از تقاضای نیروی کار غیرماهر تأثیر گذار بوده است. همچنین شبکه عصبی عملکرد بهتری در پیش‌بینی متغیر هدف نسبت به روش ARDL، دارد (ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۰۷). با توجه به مطالعات فوق، در حوزه مطالعات داخلی فقط رابطه جهانی شدن و متغیرهای اقتصادی نظیر توزیع نابرابر درآمد مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما تاکنون هیچ‌گونه مطالعه‌ای در ارتباط با متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و تأثیر آنها بر اختلافات قومی صورت نگرفته است و همچنین مطالعات

پرتفوی، پرداخت درآمد به اتباع خارجی، متوسط نرخ تعرفه، مالیات بر تجارت بین‌المللی و محدودیت‌های حساب سرمایه به صورت کمی بیان می‌کند. شاخص جهانی شدن از منظر اجتماعی، ارتباطات فردی با ملاحظه توریسم و سفرهای خارجی، ترافیک تلفن‌های بین‌المللی را ترسیم کرده و ارتباطات تکنولوژیکی را با شمارش تعداد کاربران اینترنت، تعداد میزبانان اینترنت و نیز تعداد سرورهای امن مورد سنجش قرار می‌دهد و در نهایت جهانی شدن در حوزه سیاسی با میزان تعداد سفارتخانه‌ها در کشور، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و تعداد معاهدات بین‌المللی (که هر کشور به امضا می‌رساند)، همچنین مشارکت‌های مالی و نیروی انسانی در مأموریت‌های حفاظت از صلح سازمان ملل و میزان مبادلات پولی دولت محاسبه می‌کند (ایمانی‌راد و میرزایی، ۱۳۸۷: ۲۷-۲۳). ضمناً هر یک از متغیرهای ذکر شده در سه شاخه از جهانی شدن، بر اساس درصدی از تولید ناخالص داخلی کشورها ارزیابی می‌گردد.

علاوه بر این DEM_{it} نشانگر دموکراسی است که اطلاعات و داده‌های مربوط به دموکراسی از شاخص $polity2$ برگرفته از پروژه $Polity IV$ مارشال و جاگز ۳ (۲۰۰۲: ۲۸-۱) مورد استفاده قرار گرفته است که دامنه این متغیر از ۱۰- (خیلی استبدادی) به ۱۰+ (خیلی دموکراتیک) می‌باشد.

MDM نیز نشانگر اقلیت‌های غالب بازار است که به عنوان متغیر مجازی برای اقلیت‌های قومی غالب در بازار در نظر گرفته شده است که برگرفته از مطالعه چووا در سال ۲۰۰۳ می‌باشد که برای کشورهایی که از اقلیت‌های قومی برخوردار می‌باشند عدد یک اختصاص یافته و برای کشورهایی که دارای اقلیت‌های قومی نمی‌باشند صفر در نظر گرفته شده است و در نهایت X_{it} بردار سایر متغیرهای کنترل اقتصادی و اجتماعی محسوب گشته که همچنین ارتباط این متغیرها با اختلافات قومی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. چون احتمالاً ثبات سیاسی از ناحیه این متغیرها مورد تهدید قرار گیرد. این متغیرها شامل: رشد اقتصادی، درآمد سرانه، نرخ تورم و بیکاری، نابرابری درآمد و فساد می‌شوند. متغیر فساد منبعی دیگر برای

قبلی، افزایش تنش‌ها و اختلافات قومی که از ناحیه افزایش نرخ بیکاری، شکاف طبقاتی و افزایش نرخ تورم بر جامعه تحمیل می‌شود را مورد بررسی قرار نداده‌اند.

۳- روش تحقیق

هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی اثرات متغیرهای اقتصادی و اجتماعی (جهانی شدن، رشد اقتصادی، درآمد سرانه، نرخ تورم، بیکاری، نابرابری درآمد، دموکراسی، فساد) بر اختلافات قومی یازده کشور حوزه منا (بحرین، مصر، ایران، عراق، کویت، لبنان، عمان، عربستان سعودی، سودان، امارات متحده عربی، تونس) و در بازه زمانی (۲۰۰۹-۱۹۸۴) و با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی می‌باشد. بدین منظور از مدل (بزرمر و جانگ‌پین^۱ (۲۰۱۳) برای بررسی صحت فرضیه‌ها استفاده می‌گردد.

(۱)

$$Y_{it} = \alpha + \mu_i + \gamma_t + \beta_1 GL_{it} + \beta_2 DEM_{it} + \beta_3 MDM_i * GL_{it} + \beta_4 MDM_i * DEM_{it} + \beta_5 DEM_{it} * GL_{it} + \beta_6 MDM_i * DEM_{it} * GL_{it} + \beta_7 X_{it} + \varepsilon_{it}$$

در عبارت فوق Y_{it} نشانگر اختلافات قومی است که اطلاعات آماری متغیر مربوط به تنش‌های قومی از بانک اطلاعاتی مربوط به داده‌های راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها^۲ اخذ شده است. این متغیر، میزان تنش‌های ناشی از اختلافات قومی، ملیتی یا زبانی را بر اساس رتبه بندی ۶-۰ منعکس می‌سازد که در آن افزایش رتبه کشورها به معنی کاهش میزان اختلافات قومی می‌باشد.

همچنین GL_{it} نشانگر جهانی شدن است که داده‌های آماری مربوط به متغیر جهانی شدن از شاخص جهانی شدن (KOF)، استفاده شده است که این شاخص ۲۰۷ کشور را از ۳ منظر جهانی شدن اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در بازه زمانی (۲۰۰۹-۱۹۷۰) مورد بررسی و رتبه‌بندی قرار داده است. جهانی شدن اقتصاد، یکپارچگی اقتصادی را بر اساس شاخص‌های: تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و

3. Marshall & Jagers (2002)

1. Bezemer & Jong-A-Pin (2013)

2. International Country Risk Guide Dataset (ICRG)



از رفع ناهمسانی واریانس حاصل شده است.^۴

۴-۱- آزمون هاسمن

به منظور انتخاب روش مناسب جهت تخمین مدل به روش اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. آماره این آزمون دارای توزیع کای ۲ با درجه آزادی K (تعداد متغیرهای توضیحی) است. فرض صفر این آزمون حاکی از ارجحیت مدل اثرات تصادفی بر ثابت و فرض مقابل نیز عکس این قضیه می‌باشد. جدول (۱) نتایج آزمون هاسمن برای تخمین مدل را نشان می‌دهد. بر اساس این نتایج در مدل شش، فرض صفر آزمون رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که روش اثرات ثابت روش مناسب‌تر و بهتری از روش اثرات تصادفی می‌باشد. از طرف دیگر، در مدل دو آزمون صفر را نمی‌توان رد کرد و در نتیجه روش اثرات تصادفی، سازگار و کارتر می‌باشد. لازم به ذکر است تخمین‌های نهایی مدل‌های دیگر بعد از رفع ناهمسانی واریانس حاصل می‌گردند.

جدول (۱): نتایج حاصل از آزمون هاسمن (Hausman Test)

مقدار (۶)	مقدار (۲)	متغیر
۶۲/۲۰	۱۰/۶۲	کای ۲ (Chi2)
۰/۰۰	۰/۱	ارزش احتمال (P-value)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴-۲- آزمون ناهمسانی واریانس در داده‌های تابلویی

جهت انجام آزمون ناهمسانی واریانس بین جملات اخلاص دو مدل رگرسیون مقید و نامقید تخمین زده می‌شود. لازم به ذکر است که در مدل مقید فرض همسانی واریانس یا فرض توزیع یکسان و مستقل جملات اخلاص در نظر گرفته می‌شود، در حالی که در مدل نامقید فرض بر یکسان نبودن واریانس جملات اخلاص بین واحدهای مقطعی یا ناهمسانی واریانس می‌باشد. آماره آزمون نسبت راستنمایی (LR) است که با استفاده از فرمول محاسباتی زیر به آزمون فرضیه ناهمسانی واریانس پرداخته می‌شود.

$$LR = 2(L_{UR} - L_R) \quad (۴)$$

H_0 : همسانی واریانس وجود دارد

خشونت محسوب گشته که شامل فساد اقتصادی و سیاسی می‌باشد که در نظر افراد جامعه، فرمی از اخلاص توسط کسانی که در قدرت می‌باشند، تلقی می‌گردد (بزمیر و جانگ‌پین، ۲۰۱۳: ۱۰۸-۱۲۵).^۱ اطلاعات آماری مربوط به متغیرهای رشد اقتصادی، تورم، بیکاری و درآمد سرانه از لوح فشرده بانک جهانی (WDI, 2010) اتخاذ شده است و اطلاعات آماری مربوط به فساد از بانک اطلاعاتی مربوط به داده‌های راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها اخذ شده است و در نهایت اطلاعات آماری مربوط به توزیع نابرابر درآمد از پروژه دانشگاه تگزاس (UTIP, 2008)^۲ اخذ گردیده است. این شاخص از توزیع نابرابر درآمد، نابرابری درآمد ناخالص خانوارها را برآورد می‌کند^۳ و ۳۵۱۳ مشاهده را در بر می‌گیرد.

۴- برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

برای تخمین ضرایب الگوی (۱)، دو تصریح مختلف از الگوی اصلی مورد برآورد قرار گرفته است:

(۲)

$$Y_{it} = \alpha + \mu_i + \gamma_t + \beta_1 GL_{it} + \beta_2 DEM_{it} + \beta_3 MDM_i * GL_{it} + \beta_4 MDM_i * DEM_{it} + \beta_5 DEM_{it} * GL_{it} + \beta_6 MDM_i * DEM_{it} * GL_{it} + \varepsilon_{it}$$

و مدل (۳) بیان مدل (۲) می‌باشد که در آن متغیرهای رشد اقتصادی، درآمد سرانه، نرخ تورم و بیکاری، نابرابری درآمد و فساد در قالب متغیر کنترل X_{it} در تصریح الگو در نظر گرفته شده است.

(۳)

$$Y_{it} = \alpha + \mu_i + \gamma_t + \beta_1 GL_{it} + \beta_2 DEM_{it} + \beta_3 MDM_i * GL_{it} + \beta_4 MDM_i * DEM_{it} + \beta_5 DEM_{it} * GL_{it} + \beta_6 MDM_i * DEM_{it} * GL_{it} + \beta_7 X_{it} + \varepsilon_{it}$$

نتایج حاصل از برآورد الگوهای دوگانه یاد شده در قالب هفت الگو در جدول (۳) ارائه شده است. لازم به ذکر است برای الگوهای دو و شش کاراترین نتایج بعد از آزمون هاسمن حاصل گشت در حالی که نتایج نهایی برای الگوهای دیگر بعد

1. Bezemer & Jong-A-Pin (2013)

2. University of Texas Inequality Project

3. Estimated Household Income Inequality Data Set (EHII)

۴. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس در ضمیمه مقاله ارائه شده است.

H₁: ناهمسانی واریانس وجود دارد

که در عبارت فوق L_{UR} و L_{LR} به ترتیب بیانگر لگاریتم راستنمایی مدل نامقید و لگاریتم راستنمایی در مدل مقید می‌باشند. پس از انجام آزمون ناهمسانی واریانس و رد فرضیه صفر در آماره آزمون نسبت راستنمایی، لازم است مدل نامقید تخمین زده شود. جدول (۲) نتایج آزمون ناهمسانی واریانس برای تخمین مدل را نشان می‌دهد.

نتایج حاصل از تخمین مدل‌های رگرسیون و آزمون نسبت راستنمایی جدول فوق نشان می‌دهد که فرضیه صفر یا همسانی واریانس جملات اخلاص رد شده و مدل رگرسیون دارای ناهمسانی واریانس است. بنابراین در این حالت برای تخمین مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته و مدل نامقید استفاده می‌گردد.

جدول (۲): نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی واریانس

متغیر	مقدار (۱)	مقدار (۳)	مقدار (۴)	مقدار (۵)	مقدار (۷)
LR کای دو (Chi2)	۱۳۵/۶۷	۱۷۰/۹۱	۱۲/۶۱	۱۱۷/۷۲	۴۸/۲۵
ارزش احتمال (P-value)	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴-۳- نتایج نهایی تخمین

جدول ۳ نتایج نهایی تخمین را بعد از آزمون‌های هاسمن و ناهمسانی واریانس نشان می‌دهد. با توجه به نتایج فوق، بهترین و کاراترین نتایج برای مدل‌های یک، سه، چهار، پنج و هفت بعد از رفع ناهمسانی واریانس به دست می‌آیند لیکن برای مدل‌های دو و شش بعد از انجام آزمون هاسمن و بدون رفع ناهمسانی واریانس حاصل گردیده است.

همان‌طوری که جدول ۳ نشان می‌دهد، در مدل اول همه ضرایب به جز ضریب $DEM*GL$ معنی‌دار می‌باشند و جهانی شدن در سطح معنی‌داری ۹۹٪ اثر مثبتی بر میزان اختلافات قومی که متغیر وابسته می‌باشد می‌گذارد. همچنین ضریب دموکراسی در مدل اول در سطح معنی‌داری ۹۰٪ اثر مثبتی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارد. از طرف دیگر ضریب مثبت $MDM*DEM$ نشان می‌دهد که دموکراسی در کشورهایی که

دارای اقلیت‌های قومی می‌باشند، فزونی می‌یابد و ضریب متقابل $MDM*GL$ با علامت منفی حاکی از این است که جهانی شدن در کشورهایی که دارای اقلیت‌های قومی می‌باشند کاهش یافته است و در نهایت ضریب منفی $DEM*GL$ بیانگر این است که ارتباط دو متغیر در جهت عکس یکدیگر در کشورهای مذکور می‌باشد. به عبارتی با افزایش جهانی شدن در این کشورها دموکراسی کاهش می‌یابد و بالعکس.

در مدل دوم تمامی ضرایب متقابل بی‌معنی می‌باشند در حالی که ضرایب جهانی شدن و دموکراسی به ترتیب در سطح معناداری ۹۹٪ و ۹۵٪ اثر مثبتی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارد. علاوه بر این درآمد سرانه در سطح معنی‌داری ۹۵٪ اثر منفی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارد. لذا سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان حوزه سیاسی و اقتصادی باید به افزایش درآمد سرانه به عنوان ابزاری برای کاهش تنش‌های قومی بنگرند.

همچنین در مدل سوم تمامی ضرایب متقابل بی‌معنی می‌باشند در حالی که ضرایب جهانی شدن و دموکراسی به ترتیب در سطح معناداری ۹۹٪ و ۹۰٪ اثر مثبتی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارد. علاوه بر این رشد اقتصادی در سطح معنی‌داری ۹۹٪ اثر منفی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارد؛ بنابراین افزایش رشد اقتصادی علاوه بر افزایش سطح رفاه عمومی جامعه می‌تواند به عنوان عامل مهمی در کاهش اختلافات قومی مطرح گردد و لذا این مهم باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد.

در مدل چهارم با وارد کردن متغیر نرخ تورم به عنوان متغیر کنترل، جهانی شدن و دموکراسی در سطح معنی‌داری ۹۹٪ و نرخ تورم در سطح معنی‌داری ۹۵٪ اثر مثبتی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارند. لذا سیاست‌گذاران باید برای کاهش شکاف طبقاتی و همچنین برای جلوگیری از اختلافات قومی، نرخ تورم را در داخل کشورها کاهش دهند تا از این طریق به وحدت و انسجام ملی و در نهایت به رشد و پویایی اقتصادی دست یابند. در مدل پنجم، همه ضرایب به جز ضریب $MDM*DEM*GL$ معنی‌دار می‌باشند و ضریب جهانی شدن، دموکراسی و فساد به ترتیب در سطح معنی‌داری ۹۹٪ و ۹۰٪ و ۹۹٪ اثر مثبتی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارند.



جدول (۳): نتایج نهایی تخمین داده‌های تابلویی برای ۱۱ کشور حوزه منا

(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
	۰/۰۴*	۰/۰۰۳		۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۴***	MDM*DEM*GL
	(۰/۰۲)	(۰/۰۰۰۷)		(۰/۰۰۶)	(۰/۰۰۸)	(۰/۰۰۱)	
۰/۱۵***				-۰/۰۷۵	-۰/۲۲	۰/۲۷***	MDM*DEM
(۰/۰۳)				(۰/۲۸)	(۰/۳۶)	(۰/۰۵)	
-۰/۰۰۳		-۰/۰۲۳***		۰/۰۳۵	۰/۰۲۲	-۰/۰۲۲***	MDM*GL
(۰/۰۰۴)		(۰/۰۰۰۶)		(۰/۰۲۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۰۶)	
-۰/۰۰۸***	۰/۰۲***	-۰/۰۰۱				-۰/۰۰۱	DEM*GL
(۰/۰۰۲)	(۰/۰۰۰۵)	(۰/۰۰۱)				(۰/۰۰۱)	
۰/۰۰۷	۰/۲***	۰/۰۸۳***	۰/۰۵***	۰/۰۴***	۰/۰۶***	۰/۰۵۶***	GL
(۰/۰۱)	(۰/۰۴)	(۰/۰۱۲)	(۰/۰۰۹)	(۰/۰۰۴)	(۰/۰۱)	(۰/۰۱۳)	
۰/۵***	-۰/۶۲***	۰/۱۳*	۰/۰۹***	۰/۰۲*	۰/۰۶**	۰/۱۷*	DEM
(۰/۱)	(۰/۲)	(۰/۰۷)	(۰/۰۲۵)	(۰/۰۱۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۹)	
					-۰/۲۹**		LnGDP per
					(۰/۱۳)		
				-۰/۷۲***			LnGDP
				(۰/۲۴)			
			۰/۰۲۹**				Inf
			(۰/۰۱۳)				
		۰/۲۴***					Corr
		(۰/۰۶)					
	۰/۱۳***						In
	(۰/۰۴)						
۰/۲***							LnU
(۰/۱)							
۷۹	۷۷	۲۸۵	۱۵۶	۱۶۰	۱۶۰	۲۸۵	تعداد کل مشاهدات

Y_{it} (اختلافات قومی): متغیر وابسته

***, **, * به ترتیب نشان دهنده معنی داری متغیر در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ می‌باشد. ارقام داخل پرانتز نشانگر انحراف معیار می‌باشند.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شدن نیز در این کشورها افزایش می‌یابد و بالعکس. در نهایت در مدل هفتم همه ضرایب معنی دار می‌باشند. ضریب جهانی شدن در مدل مذکور بی‌معنی می‌باشد و ضرایب دموکراسی و نرخ بیکاری در سطح معنی داری ۹۹٪ اثر مثبتی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارند. از طرف دیگر تمامی ضرایب متقابل به جز ضریب MDM*GL معنی دار می‌باشند. ضریب مثبت MDM*DEM حاکی از ارتباط مثبت این دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر، دموکراسی در کشورهایی که دارای

در مدل ششم با وارد کردن متغیر توزیع نابرابری درآمد به عنوان متغیر کنترل، همه ضرایب معنی دار می‌باشند. در این مدل ضریب دموکراسی در سطح معنی داری ۹۹٪ اثر منفی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارد در حالی که ضریب جهانی شدن و نابرابری درآمدی هر دو در سطح معنی داری ۹۹٪ اثر مثبتی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارند و همچنین ضریب مثبت DEM*GL نشان می‌دهد که در کشورهای واقع در مدل ششم، ارتباط این دو متغیر مثبت بوده و با افزایش دموکراسی، جهانی

دموکراسی با ایجاد فضای باز سیاسی منجر به کاهش خشونت‌های قومی می‌گردد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

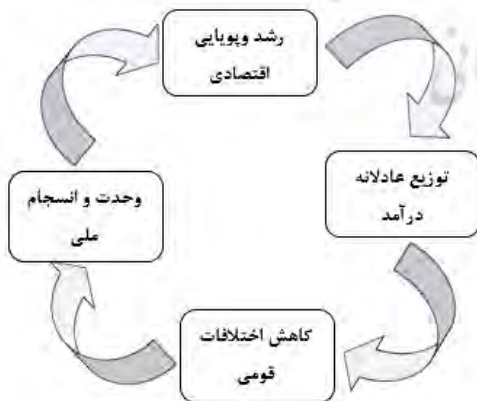
در این مطالعه، با استفاده از داده‌های تابلویی تأثیر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر اختلافات قومی یازده کشور حوزه منا طی سال‌های (۲۰۰۹-۱۹۸۴) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تخمین مدل نهایی به روش داده‌های تابلویی و آزمون فرضیه‌ها بیانگر این است که رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای اقتصادی - اجتماعی نظیر: نرخ بیکاری، نرخ تورم و نابرابری درآمد با میزان اختلافات قومی وجود دارد. به عبارت دیگر تورم موجب کاهش بیشتری در قدرت خرید گروه‌ها و دهک‌های کم‌درآمد جامعه می‌شود، همین گروه‌ها تحت بیشترین فشار بیکاری نیز قرار دارند، این دو عامل موجب فشار هر چه بیشتر اقتصادی به دهک‌های پایین جامعه می‌شود؛ بنابراین مشاهده نابرابری و سطح زندگی از طریق مقایسه وضعیت معیشتی خود با دهک‌های بالای جامعه، فشار روانی ناشی از وضعیت نامطلوب اقتصادی را مضاعف می‌کند. در این حالت ا فشار تحت فشار به دنبال راه‌هایی برای اعلام نارضایتی و رهایی از این فشار تورمی و دستیابی به سهم بیشتری از درآمد ملی برمی‌آیند. در چنین شرایطی عاملان سیاسی آنان را بر تطبیق وضعیت بد اقتصادی و معیشتی بر هویت قومی خود سوق می‌دهند؛ لذا قومیت‌گرایی به عنوان روزه‌ای برای چانه‌زنی سیاسی - اقتصادی انتخاب می‌شود و از این طریق اختلافات مابین اقلیت‌ها و اکثریت‌ها بروز می‌نماید. همچنین رابطه منفی و معنی‌داری بین رشد اقتصادی و میزان اختلافات قومی وجود دارد. بدین معنا که رشد اقتصادی عامل مثبتی در عرصه سیاسی کشورهای حوزه منا نیز تلقی می‌گردد و منجر به ثبات اقتصادی - سیاسی می‌شود و همچنین یافته‌های این تحقیق، نتایج برخی تحقیقات پیشین نظیر بیلتمن و میگوئل (۲۰۱۰: ۳-۵۷) را که بیان می‌دارد، رشد اقتصادی از طریق سیستم مالیاتی کارآمد، فاصله طبقاتی و نابرابری‌ها را مابین اقلیت‌های قومی و اکثریت کاهش می‌دهد، مورد تأیید قرار می‌دهد. از طرف دیگر، رشد اقتصادی از طریق ایجاد اشتغال و درآمد، به همراه ثبات قیمت‌ها موجب

اقلیت‌های قومی می‌باشند، افزایش می‌یابد و ضریب منفی DEM*GL در این مدل نشان می‌دهد که ارتباط دو متغیر در جهت عکس یکدیگر در کشورهای مذکور می‌باشد. به عبارتی با افزایش جهانی شدن در این کشورها دموکراسی کاهش می‌یابد و بالعکس.

اکنون با توجه به تفاسیر بالا از تخمین نهایی به این نتیجه می‌رسیم که در مدل‌های یک الی شش جهانی شدن اثر مثبتی بر میزان اختلافات قومی می‌گذارد؛ بدین معنا که جهانی شدن در یازده کشور حوزه منا نتوانسته است فرصت‌های رشد و سودآوری را به طور یکسان برای همه افراد جامعه فراهم نماید و ثروت‌های حاصل گشته از ناحیه جهانی شدن، به طور ناعادلانه مابین اکثریت و اقلیت‌های قومی توزیع شده است که در نتیجه منجر به ایجاد تنش و اختلافات مابین آنها می‌گردد که یافته‌های بلدوین و مارتین (۱۹۹۹: ۷-۵) و گلدبرگ و پاوکینک (۲۰۰۷: ۸۲-۳۹) را مورد تأیید قرار می‌دهد و همچنین متغیرهای درآمد سرانه و رشد اقتصادی بر اساس مطالعات انجام یافته توسط بیلتمن و میگوئل (۲۰۱۰: ۳-۵۷) در کاهش اختلافات قومی در کشورهای مورد مطالعه نقش به‌سزایی را ایفا کرده‌اند و بنابراین در کشورهای در حال توسعه این حوزه و به ویژه در کشور ایران علاوه بر اینکه دسترسی به رشد اقتصادی و درآمدهای سرانه بالاتر به عنوان یکی از اهداف مهم اقتصادی دولت‌ها مطرح است، این مهم می‌تواند نقش به‌سزایی در کاهش اختلافات قومی و افزایش انسجام و وحدت ملی داشته باشد و در نهایت متغیرهای اقتصادی نظیر: افزایش نرخ تورم، نابرابری درآمدی و بیکاری، منجر به افزایش فاصله طبقاتی بین اقلیت‌های قومی و اکثریت می‌شوند و از این رو افزایش این متغیرها می‌توانند، توزیع درآمد را در کشورهای حوزه منا ناعادلانه‌تر سازند. در نتیجه، بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از افزایش این متغیرها می‌تواند منجر به بی‌ثباتی سیاسی و افزایش اختلافات قومی در داخل کشورهای مذکور گردد که سازگار و مؤید یافته‌های البادوی و سمبانیس (۲۰۰۰: ۲۶۹-۲۴۴) می‌باشد. از طرف دیگر بر اساس نتایج این مطالعه و همچنین مطالعات انجام یافته توسط چووا (۲۰۰۳: ۱۰۳-۱۰۱)، ترکیب بازار آزاد و دموکراسی به طور مکرر اختلافات قومی را تسریع می‌بخشد و این در حالی است که در مدل شش جدول ۳

اقتصادی و جهانی شدن را برای همه اقوام فراهم نمایند تا ثروت حاصل از رونق اقتصادی به طور یکسان بین اقوام توزیع گردد و از این طریق تنش‌ها و اختلافات مابین اقلیت‌های قومی و اکثریت کاهش یابد. هدف این مطالعه بررسی جهت اثرگذاری متغیرهای اقتصادی-اجتماعی بر اختلافات قومی بوده است تا از این طریق با شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش اختلافات قومی، راهکارهای همزمان نیل به وحدت و انسجام ملی و رشد و پویایی اقتصادی هر چه بیشتر در کشورهای حوزه منا مشخص شود تا با اتحاد و یکپارچگی ملی به‌عنوان سرمایه اجتماعی، زمینه‌های رشد و پویایی اقتصادی ایجاد شود تا افزایش اشتغال و کاهش تورم ناشی از آن موجبات رضایت همگانی، از جمله اقلیت‌های قومی را فراهم و به انسجام ملی کمک نماید و از طرف دیگر با کاهش فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه درآمد و همچنین افزایش سطح رضایت عمومی، ثبات و امنیت سیاسی کشورها افزایش و وحدت ملی تقویت گردد.

شکل ۵ نشان می‌دهد که رشد و پویایی اقتصادی همانند یک چرخه عمل می‌نماید چنان‌که توزیع عادلانه درآمد منجر به کاهش اختلافات قومی و در نهایت دست یافتن به وحدت و انسجام ملی در کشورهای حوزه منا می‌گردد. در این چرخه ثبات سیاسی و ثبات اقتصادی همدیگر را پشتیبانی و تقویت می‌نمایند، به طوری‌که می‌توان تأثیرگذاری این چرخه را از هر یک از جعبه‌های چهارگانه فوق آغاز و خاتمه داد.



شکل (۵): چرخه تأثیرگذاری رشد و پویایی اقتصادی بر کاهش

اختلافات قومی و تقویت وحدت ملی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ارتقاء سطح رفاه عمومی (از جمله اقلیت‌های قومی) گردیده و در نهایت منجر به کاهش اختلافات و درگیری‌های قومی در کشورهای حوزه منا می‌گردد. متقابلاً فضای باثبات سیاسی، زمینه‌های رشد و پویایی اقتصادی را ایجاد می‌نماید. بدین ترتیب است که کشورهای مورد مطالعه به وحدت و انسجام ملی، دست می‌یابند و به رشد و شکوفایی اقتصادی - سیاسی خود ادامه می‌دهند. بنابراین رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و وحدت ملی لازم و ملزوم یکدیگرند. لذا لازم است که همزمانی رشد اقتصادی و بهبود در توزیع درآمد در این کشورها مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

با توجه به اینکه در بدو امر به نظر می‌رسد که با جهانی شدن و گذر از جوامع کوچک و پیوستن به دهکده جهانی و کمرنگ شدن مرزهای هویت ملی و قومی، اختلافات قومی کاهش می‌یابد، لیکن نتیجه مطالعه حاضر نشان می‌دهد که جهانی شدن موجب افزایش اختلافات قومی می‌شود. بلدوین و مارتین (۱۹۹۹: ۷-۵)، چوآ (۲۰۰۳: ۱۱۱-۱۱۰)، گلدبرگ و پاوکینک (۲۰۰۷: ۸۲-۳۹) و بزم و جانگ‌پین (۲۰۱۳: ۱۲۵-۱۰۸) در تحقیقات خود با فرض اینکه در کشورهای دارای اقلیت‌های قومی، اقلیتی بر بازار غالب است که نسبت به اکثریت از مزایای اقتصادی برخوردار است، این پدیده را به افزایش ورود سرمایه به داخل کشورهای مذکور در نتیجه جهانی شدن که منجر به ایجاد شکاف طبقاتی بین اکثریت و اقلیت‌های قومی می‌گردد و این امر به نوبه خود منجر به افزایش اختلافات قومی می‌شود مربوط می‌سازند. لیکن به نظر می‌رسد که این پدیده را بتوان به‌طور ساده چنین تحلیل کرد که جهانی شدن و افزایش ورود سرمایه و ادغام هر چه بیشتر اقتصاد این کشورها در اقتصاد جهانی موجب افزایش نقش اقتصاد جهانی در ارکان اقتصادی این کشورها می‌شود که این امر تغییراتی در نهادها و ساختار دولت مرکزی ایجاد می‌نماید. با توجه به آمیختگی اقتصاد و سیاست و به ویژه مطامع کشورهای جریان‌ساز در فرایند جهانی شدن در منطقه منا، نهایتاً این تغییر و تحولات به تحریک انگیزه‌های قومی در میان اقلیت‌ها و تشدید اختلافات منجر می‌گردد. بنابراین لازم است سیاست‌گذاران با اتخاذ تدابیر خاص سیاستی، فرصت‌های برابر برای بهره‌مندی از یکپارچگی

منابع

- ابریشمی، حمید؛ مهدوی، ابوالقاسم؛ احراری، مهدی و صابری، بیتا (۱۳۹۰)، "اثرات جهانی شدن بر اشتغال و تقاضای نیروی کار ماهر و غیر ماهر ایران"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۵۸، ۱۰۷-۱۴۱.
- احتشامی، هادی (۱۳۸۸)، "بررسی جهانی شدن، دموکراسی و تأثیر آن بر صلح و امنیت بین الملل"، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۱، ۱۷-۳۷.
- ایمانی‌راد، مرتضی و میرزایی، ونوس (۱۳۸۷)، "نقد و بررسی شاخص‌های جهانی شدن"، *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۹۹، ۲۷-۲۳.
- جعفری صمیمی، احمد؛ بابازاده، محمد و اکبریان مهر، زهرا (۱۳۸۶)، "بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا"، *فصلنامه علوم اقتصادی*، شماره ۱، ۷۷-۵۵.
- دادگر، یدالله و ندیری، محمد (۱۳۸۴)، "ارزیابی تأثیر جهانی شدن تجارت بر اشتغال"، *نامه اقتصادی*، شماره ۲، ۳۶-۱.
- صادقی، حسین؛ ملکی، بهروز؛ عساری، عباس و محمودی، وحید (۱۳۹۲)، "تحلیل فازی رابطه اعتماد اجتماعی با توسعه انسانی"،
- Addison, T. & Cornia, G.A. (2001), "Income Distribution Policies for Faster Poverty Reduction", *UNU- WIDER Discussion Paper*, Helsinki:UNU-WIDER, 93, 1-31.
- Baldwin, R. & Martin, P. (1999), "Two Waves of Globalization: Superficial Similarities, Fundamental Differences", *Cambridge, Mass: NBER Working Paper*, National Bureau of Economic Research, 5-7.
- Berg, A. & Nilsson, T. (2010), "Do Liberalization and Globalization Increase Income Inequality?", *European Journal of Political Economy*, 26(4), 488-505.
- Bezemer, D. & Jong-A-Pin, R. (2013), "Democracy, Globalization and Ethnic Violence", *Journal of Comparative Economics*, 41(1), 108-125.
- Blattman, C. & Miguel, E. (2010), "Civil War", *Journal of Economic Literature*, 48(1), 3-57.
- Chang, Ch., Berdiev, B., Aziz, N. & Lee, Ch. (2013), "Energy Exports, Globalization and Economic Growth: The Case of South Caucasus", *Economic Modelling*, 33, 333-346.
- Chua, A. (1995), "The Privatization-Nationalization Cycle: The Link between Markets and Ethnicity in Developing Countries", *Columbia Law Review*, 95(2), 223-303.
- Chua, A. (1998), "Markets, Democracy, and Ethnicity: Towards a New Paradigm for Law and Development", *Yale Law Journal*, 108(1), 1-107.
- Chua, A. (2000), "The Paradox of Free Market Democracy: Rethinking Development Policy", *Harvard International Law Journal*, 41(2), 287-379.
- Chua, A. (2003), "How Exporting Free Market Democracy Breeds Ethnic Hatred and Global Instability", *New York: Anchor Books*.
- Collier, P. (2001), "Ethnic Diversity: An Economic Analysis", *Economic Policy - A European Forum*, 32, 127-166.
- Collier, P. & Hoeffler, A. (2002), "On Economic Causes of Civil War", *Oxford Economic Papers*, 50(4), 563-573.
- Collier, P. & Hoeffler, A. (2004), "Greed and Grievance in Civil War: On Economic Causes of



- Civil War”, *Oxford Economic Papers*, 56(4), 563–595.
- Cornia, A.G. & Court, J. (2001), “Inequality, Growth and Poverty in the Era of Liberalization and Globalization”, *UNU-WIDER*, 4, 1-40.
- Culpeper, R. (2002), “Approaches to Globalization and Inequality within the International System”, *Paper prepared for UNRISD project on improving knowledge on social development in international organization*, 1-8.
- Dollar, D. (1992), “Outward-Oriented Developing Economies Really Grow More Rapidly: Evidence from 95 LDCs, 1976–85”, *Economic Development and Cultural Change*, 40(3), 523–544.
- Dollar, D. & Kraay, A. (2002), “Growth is Good for the Poor”, *WB Policy Research Working Paper*, Washington DC, Oxford University Press for UNU-WIDER, 7(3), 195-225.
- Dreher, A. (2012), “Does Globalization Affect Growth? Evidence from a New Index of Globalization”, *Applied Economics*, 38(10), 1091–1110.
- Easterly, W. & Levine, R. (1997), “Africa’s Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions”, *Quarterly Journal of Economics*, 112(4), 1203–1250.
- Elbadawi, I. & Sambanis, N. (2000), “Why are There so Many Civil Wars in Africa? Understanding and Preventing Violent Conflict?”, *Journal of African Economies*, 9(3), 244-269.
- Elbadawi, I. & Sambanis, N. (2002), “How Much War Will We See? Explaining the Prevalence of Civil War”, *Journal of Conflict Resolution*, 46(3), 307–334.
- Fearon, J. & Laitin, D. (2003), “Ethnicity, Insurgency and Civil War”, *American Political Science Review*, 97(1), 75–90.
- Feldmann, H. (2012), “Ethnic Fractionalization and Unemployment”, *Journal of Economics Letters*, 117(1), 192–195.
- Frankel, J. & Romer, D. (1999), “Does Trade Cause Growth?”, *American Economic Review*, 89(3), 379–399.
- Glaeser, E. (2005), “The Political Economy of Hatred”, *Quarterly Journal of Globalization*, 120(1), 45-86.
- Goldberg, P. & Pavcnik, N. (2007), “Distributional Effects of Globalization in Developing Countries”, *Journal of Economic Literature*, 45(1), 39–82.
- Graham, C. (2005), “Globalization and Poverty, Inequality, and Insecurity: Some Insights from the Economics of Happiness”, *Paper presented at the UNU-WIDER project meeting on the impact of globalization on the world’s poor*, Helsinki: UNU-WIDER, 13-27.
- Hegre, H., Ellingsen, T., Gates, S. & Gleditsch, N. (2001), “Towards a Democratic Civil Peace? Democracy, Political Change and Civil War, 1816–1992”, *American Political Science Association*, 95(1), 33-48.
- Huntington, S. (1968), “Political Order in Changing Societies”, *New Haven, CT: Yale University Press*.
- International Country Risk Guide (2005), “The PRS Group”, New York, *ICRG Press*.
- Kose, M.A., Prasad, E. S. & Terrones, M.E. (2006), “How Do Trade and Financial Integration Affect the Relationship between Growth and Volatility?” *Washington, DC: IMF, Mimeo*, 69(1), 176-202.
- Lalountas, D.A, Manolas, G.A. & Vavouras, I. (2011), “Corruption, Globalization and Development: How are these three phenomena related?”, *Journal of Policy Modelling*, 33(4), 636-648.
- Mah, J. (2013), “Globalization, Decentralization and Income Inequality: The Case of China”, *Economic Modelling*, 31, 653-658.
- Marshall, M. & Jaggers, K. (2002), “Polity IV Data Set (Computer file; version p4v2002)”, *University of Maryland: College Park, MD: Center for International Development and Conflict Management*.
- Nissanke, M. & Thorbecke, E. (2006), “Channels and Policy Debate in the Globalization–Inequality–Poverty Nexus”, *World Development*, 34(8), 1338–1360.
- O’Neal, J. & Russett, B. (2000), “Triangulating Peace: Democracy, Interdependence, and International Organizations”, *New York: Norton*, 59-58.
- Sachs, J.D. & Warner, A. (1995), “Economic Reform and the Process of Global Integration”, *Brookings Papers on Economic Activity*, 14, 21-25.
- Sambanis, N. (2002), “A Review of Recent Advances and Future Directions in the Literature on Civil War”, *Defense and Peace Economics*, 13(3), 215–243.
- Sato, S. & Fukushige, M. (2009), “Globalization and Economic Inequality in the Short and Long Run:



The Case of South Korea 1975–1995”, *Journal of Asian Economics*, 20(1), 62-68.

Sindzingre, A. (2005), “Explaining Threshold Effects on Globalization on Poverty: An Institutional Perspective”, *WIDER Research Paper*, Helsinki:UNUWIDER, 1-3.

Starr, M. (2010), “Violent Conflict and Economic Growth: Some Time-Series Evidenc”, *Journal of Economics Letters*, 106(3), 200-204.

The KOF, “Index of Globalization Measures the three

Main Dimensions of Globalization: Economic, Social and political”, <http://globalization.kof.ethz.ch/>.

University of Texas Inequality Project, (2008), <http://utip.gov.utexas.edu/data.htm>.

World Bank (2010), 2010 WDI, CD, Washington DC.

Zak, P. & Feng, Y. (2003), “A Dynamic Theory of the Transition to Democracy”, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 52(1), 1-25.

ضمائم و پیوست‌ها

نتایج نرم‌افزار Stata 12.0 ✓

نتایج تخمین آزمون ناهمسانی واریانس برای مدل اول ✓

```
. xtgls ethnic mdg md mg dg glo demo , igls panels(heteroskedastic)
Cross-sectional time-series FGLS regression
```

```
Coefficients: generalized least squares
Panels: heteroskedastic
Correlation: no autocorrelation

Estimated covariances = 11
Estimated autocorrelations = 0
Estimated coefficients = 7

Number of obs = 285
Number of groups = 11
Obs per group: min = 25
                avg = 25.90909
                max = 26

Log likelihood = -405.8203
wald chi2(6) = 930.36
Prob > chi2 = 0.0000
```

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]
mdg	-.0046056	.0013407	-3.44	0.001	-.0072333 -.0019778
md	.276344	.0571604	4.83	0.000	.1643116 .3883764
mg	-.022228	.006093	-3.65	0.000	-.0341701 -.0102859
dg	-.0019381	.0018427	-1.05	0.293	-.0055497 .0016735
glo	.0565057	.013703	4.12	0.000	.0296483 .0833631
demo	.1753722	.0902069	1.94	0.052	-.0014302 .3521746
_cons	2.175458	.6668021	3.26	0.001	.8685502 3.482366

```
. estimates store hetero
```

```
. xtgls ethnic mdg md mg dg glo demo
```

```
Cross-sectional time-series FGLS regression
```

```
Coefficients: generalized least squares
Panels: homoskedastic
Correlation: no autocorrelation

Estimated covariances = 1
Estimated autocorrelations = 0
Estimated coefficients = 7

Number of obs = 285
Number of groups = 11
Obs per group: min = 25
                avg = 25.90909
                max = 26

Log likelihood = -473.656
wald chi2(6) = 235.52
Prob > chi2 = 0.0000
```

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]
mdg	-.007704	.0019735	-3.90	0.000	-.011572 -.0038359
md	.2167696	.0954172	2.27	0.023	.0297554 .4037838
mg	-.0471951	.0072492	-6.51	0.000	-.0614033 -.032987
dg	.0083086	.0019496	4.26	0.000	.0044873 .0121298
glo	.1317464	.0141949	9.28	0.000	.1039249 .1595679
demo	-.2262202	.0820816	-2.76	0.006	-.3870971 -.0653433
_cons	-1.369287	.5604434	-2.44	0.015	-2.467736 -.2708386

```
. estimates store hemo
```

```
. local df=e(N_g)-1
```

```
. lrtest hetero hemo , df(`df')
```

```
Likelihood-ratio test (Assumption: hemo nested in hetero) LR chi2(10) = 135.67
Prob > chi2 = 0.0000
```



نتایج تخمین مدل دوم به روش Fix effect ✓

```
. xtreg ethnic mdg md mg glo demo gdpper, fe
Fixed-effects (within) regression
Group variable: id
Number of obs   =   160
Number of groups =    8
R-sq:  within = 0.3512
       between = 0.0014
       overall = 0.0009
Obs per group: min =    20
               avg  =   20.0
               max  =    20
corr(u_i, xb) = -0.9990
F(6,146)       =   13.17
Prob > F       =   0.0000
```

ethnic	Coef.	Std. Err.	t	P> t	[95% Conf. Interval]	
mdg	-.1348504	.0442483	-3.05	0.003	-.2223005	-.0474004
md	9.69436	3.045882	3.18	0.002	3.674643	15.71408
mg	-1.406325	.4370842	-3.22	0.002	-2.270155	-.5424958
glo	.064866	.0113256	5.73	0.000	.0424827	.0872492
demo	.0647839	.0307523	2.11	0.037	.0040066	.1255612
gdpper	-.3209794	.1302351	-2.46	0.015	-.5783691	-.0635897
_cons	13.71161	3.814102	3.59	0.000	6.173622	21.24959
sigma_u	34.992225					
sigma_e	.63588092					
rho	.99966989					
(fraction of variance due to u_i)						

F test that all u_i=0: F(7, 146) = 63.91 Prob > F = 0.0000

```
. xtreg ethnic mdg md mg glo demo gdpper
```

نتایج تخمین مدل دوم به روش Random effect ✓

```
. estimates store fix
. xtreg ethnic mdg md mg glo demo gdpper
Random-effects GLS regression
Group variable: id
Number of obs   =   160
Number of groups =    8
R-sq:  within = 0.3035
       between = 0.3878
       overall = 0.3677
Obs per group: min =    20
               avg  =   20.0
               max  =    20
Random effects u_i ~ Gaussian
corr(u_i, X)      = 0 (assumed)
Wald chi2(6)     =   67.45
Prob > chi2      =   0.0000
```

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]	
mdg	.0078101	.0082475	0.95	0.344	-.0083546	.0239748
md	-.2251274	.3655127	-0.62	0.538	-.9415192	.4912643
mg	.0221515	.0353607	0.63	0.531	-.0471542	.0914572
glo	.0646847	.0111948	5.78	0.000	.0427433	.0866261
demo	.0671597	.0310992	2.16	0.031	.0062064	.128113
gdpper	-.2940907	.1334333	-2.20	0.028	-.5556152	-.0325663
_cons	1.397838	.8593476	1.63	0.104	-.2864525	3.082128
sigma_u	1.4549596					
sigma_e	.63588092					
rho	.8396255					
(fraction of variance due to u_i)						

نتایج تخمین آزمون هاسمن برای مدل دوم ✓

```
. estimates store ran
. hausman fix ran
```

	Coefficients		(b-B)	sqrt(diag(V_b-V_B))
	(b) fix	(B) ran	Difference	S.E.
mdg	-.1348504	.0078101	-.1426606	.0434729
md	9.69436	-.2251274	9.919487	3.023872
mg	-1.406325	.0221515	-1.428477	.4356514
glo	.064866	.0646847	-.0001813	.001716
demo	.0647839	.0671597	-.0023758	.
gdpper	-.3209794	-.2940907	-.0268887	.

b = consistent under Ho and Ha; obtained from xtreg
 B = inconsistent under Ha, efficient under Ho; obtained from xtreg

Test: Ho: difference in coefficients not systematic

chi2(6) = (b-B)'[(V_b-V_B)^(-1)](b-B)
 = 10.62
 Prob>chi2 = 0.1009
 (V_b-V_B is not positive definite)



✓ نتایج تخمین آزمون ناهمسانی واریانس برای مدل سوم

. xtgls ethnic mdg md mg glo demo gdp, igls panels(heteroskedastic)

Cross-sectional time-series FGLS regression

Coefficients: generalized least squares
Panels: heteroskedastic
Correlation: no autocorrelation

Estimated covariances = 8 Number of obs = 160
Estimated autocorrelations = 0 Number of groups = 8
Estimated coefficients = 7 Time periods = 20
Log likelihood = -170.6154 Wald chi2(6) = 161.06
Prob > chi2 = 0.0000

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]	
mdg	.0069925	.0069836	1.00	0.317	-.006695	.02068
md	-.0756662	.2871612	-0.26	0.792	-.6384917	.4871593
mg	.0351097	.0237114	1.48	0.139	-.0113637	.0815832
glo	.0420139	.0045256	9.28	0.000	.0331439	.0508839
demo	.025619	.0147979	1.73	0.083	-.0033845	.0546224
gdp	-.7267984	.2424134	-3.00	0.003	-1.20192	-.2516769
_cons	2.858629	.2945851	9.70	0.000	2.281253	3.436005

. estimates store hetero

. xtgls ethnic mdg md mg glo demo gdp

Cross-sectional time-series FGLS regression

Coefficients: generalized least squares
Panels: homoskedastic
Correlation: no autocorrelation

Estimated covariances = 1 Number of obs = 160
Estimated autocorrelations = 0 Number of groups = 8
Estimated coefficients = 7 Time periods = 20
Log likelihood = -256.0726 Wald chi2(6) = 119.62
Prob > chi2 = 0.0000

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]	
mdg	.0136574	.0146214	0.93	0.350	-.0150001	.0423149
md	-.5425045	.6020516	-0.90	0.368	-1.722504	.6374949
mg	.0353161	.0494735	0.71	0.475	-.0616502	.1322824
glo	.0779747	.0076922	10.14	0.000	.0628983	.093051
demo	.148006	.0352672	4.20	0.000	.0788836	.2171285
gdp	-2.114039	.7812911	-2.71	0.007	-3.645341	-.5827366
_cons	1.526325	.4379202	3.49	0.000	.6680176	2.384633

. estimates store hemo

. local df = e(N_g)-1

. lrtest hetero hemo , df(`df')

Likelihood-ratio test LR chi2(7) = 170.91
(Assumption: hemo nested in hetero) Prob > chi2 = 0.0000

✓ نتایج تخمین آزمون ناهمسانی واریانس برای مدل چهارم

. xtgls ethnic inf glo demo, igls panels(heteroskedastic)

Cross-sectional time-series FGLS regression

Coefficients: generalized least squares
Panels: heteroskedastic
Correlation: no autocorrelation

Estimated covariances = 6 Number of obs = 156
Estimated autocorrelations = 0 Number of groups = 6
Estimated coefficients = 4 Time periods = 26
Log likelihood = -223.4614 Wald chi2(3) = 57.11
Prob > chi2 = 0.0000

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]	
inf	.0297865	.0138725	2.15	0.032	.0025969	.0569761
glo	.058181	.0091682	6.35	0.000	.0402116	.0761503
demo	.0903045	.0256084	3.53	0.000	.040113	.1404961
_cons	1.944756	.5800955	3.35	0.001	.8077898	3.081722

. estimates store hetero



```
. xtgls ethnic inf glo demo
Cross-sectional time-series FGLS regression
Coefficients: generalized least squares
Panels: homoskedastic
Correlation: no autocorrelation

Estimated covariances = 1          Number of obs = 156
Estimated autocorrelations = 0      Number of groups = 6
Estimated coefficients = 4          Time periods = 26
Log likelihood = -229.7644          Wald chi2(3) = 59.38
                                      Prob > chi2 = 0.0000
```

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]
inf	.0242175	.0146872	1.65	0.099	-.0045688 .0530039
glo	.0540937	.0094322	5.74	0.000	.035607 .0725804
demo	.1630651	.0308055	5.29	0.000	.1026875 .2234428
_cons	2.408192	.6123188	3.93	0.000	1.208069 3.608315

```
. estimates store hemo
. local df = e(N_g)-1
. lrtest hetero hemo , df(`df')
Likelihood-ratio test          LR chi2(5) = 12.61
(Assumption: hemo nested in hetero) Prob > chi2 = 0.0274
```

نتایج تخمین آزمون مدل پنجم ✓

```
. xtgls ethnic mdg mg dg glo demo corr, igls panels(heteroskedastic)
```

```
Cross-sectional time-series FGLS regression
Coefficients: generalized least squares
Panels: heteroskedastic
Correlation: no autocorrelation

Estimated covariances = 11         Number of obs = 285
Estimated autocorrelations = 0      Number of groups = 11
Estimated coefficients = 7          Obs per group: min = 25
                                      avg = 25.90909
                                      max = 26
Log likelihood = -409.5784          Wald chi2(6) = 846.67
                                      Prob > chi2 = 0.0000
```

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]
mdg	.0003647	.0007216	0.51	0.613	-.0010497 .0017791
mg	-.0235662	.0061443	-3.84	0.000	-.0356089 -.0115236
dg	-.0012222	.0016228	-0.75	0.451	-.0044027 .0019584
glo	.0837048	.0125867	6.65	0.000	.0590353 .1083743
demo	.1387955	.0772273	1.80	0.072	-.0125672 .2901583
corr	.2441894	.0645383	3.78	0.000	.1176966 .3706822
_cons	.0584155	.6188893	0.09	0.925	-1.154585 1.271416

```
. estimates store hetero
. xtgls ethnic mdg mg dg glo demo corr
Cross-sectional time-series FGLS regression
Coefficients: generalized least squares
Panels: homoskedastic
Correlation: no autocorrelation

Estimated covariances = 1          Number of obs = 285
Estimated autocorrelations = 0      Number of groups = 11
Estimated coefficients = 7          Obs per group: min = 25
                                      avg = 25.90909
                                      max = 26
Log likelihood = -468.4359          Wald chi2(6) = 254.94
                                      Prob > chi2 = 0.0000
```

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]
mdg	-.0034221	.000934	-3.66	0.000	-.0052528 -.0015914
mg	-.0456538	.0071328	-6.40	0.000	-.0596338 -.0316739
dg	.0080383	.0018624	4.32	0.000	.004388 .0116886
glo	.1326493	.0139383	9.52	0.000	.1053308 .1599679
demo	-.2112261	.0770841	-2.74	0.006	-.3623081 -.060144
corr	.3918766	.098008	4.00	0.000	.1997845 .5839688
_cons	-2.370963	.6077941	-3.90	0.000	-3.562217 -1.179708

```
. estimates store hemo
. local df = e(N_g)-1
. lrtest hetero hemo , df(`df')
Likelihood-ratio test          LR chi2(10) = 117.72
(Assumption: hemo nested in hetero) Prob > chi2 = 0.0000
```




✓ نتایج تخمین مدل ششم به روش Fix effect

```
. xtreg ethnic mdg dg glo demo gini, fe
Fixed-effects (within) regression
Group variable: id
Number of obs = 77
Number of groups = 6
R-sq: within = 0.6025
between = 0.8472
overall = 0.3811
Obs per group: min = 8
avg = 12.8
max = 18
F(5,66) = 20.01
Prob > F = 0.0000
corr(u_i, Xb) = -0.9832
```

ethnic	Coef.	Std. Err.	t	P> t	[95% Conf. Interval]	
mdg	.0482771	.0251789	1.92	0.060	-.0019943	.0985484
dg	.0200387	.0054703	3.66	0.000	.0091169	.0309604
glo	.2745188	.0411835	6.67	0.000	.1922932	.3567444
demo	-.6260969	.2018553	-3.10	0.003	-1.029114	-.2230798
gini	.1303842	.0478579	2.72	0.008	.0348328	.2259355
_cons	-11.29139	2.544478	-4.44	0.000	-16.37161	-6.211179
sigma_u	6.6408886					
sigma_e	.83587135					
rho	.98440447	(fraction of variance due to u_i)				

F test that all u_i=0: F(5, 66) = 15.56 Prob > F = 0.0000

```
. estimates store fix
```

✓ نتایج تخمین مدل ششم به روش andom effect

```
. xtreg ethnic mdg dg glo demo gini
Random-effects GLS regression
Group variable: id
Number of obs = 77
Number of groups = 6
R-sq: within = 0.4586
between = 0.7664
overall = 0.4567
Obs per group: min = 8
avg = 12.8
max = 18
Random effects u_i ~ Gaussian
corr(u_i, X) = 0 (assumed)
Wald chi2(5) = 59.69
Prob > chi2 = 0.0000
```

ethnic	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]	
mdg	.0059488	.0017075	3.48	0.000	.0026022	.0092954
dg	.0069613	.0044802	1.55	0.120	-.0018198	.0157423
glo	.0717569	.0317497	2.26	0.024	.0095287	.1339851
demo	-.1040583	.2015869	-0.52	0.606	-.4991613	.2910448
gini	.0322721	.056016	0.58	0.565	-.0775171	.1420614
_cons	.6574679	2.301738	0.29	0.775	-3.853856	5.168792
sigma_u	0					
sigma_e	.83587135					
rho	0	(fraction of variance due to u_i)				

```
. estimates store ran
```

✓ نتایج تخمین آزمون هاسمن برای مدل ششم

```
. hausman fix ran
```

	Coefficients		(b-B) Difference	sqrt(diag(V_b-V_B)) S.E.
	(b) fix	(B) ran		
mdg	.0482771	.0059488	.0423283	.025121
dg	.0200387	.0069613	.0130774	.0031387
glo	.2745188	.0717569	.2027619	.0262306
demo	-.6260969	-.1040583	-.5220386	.0104062
gini	.1303842	.0322721	.098112	.

b = consistent under Ho and Ha; obtained from xtreg
B = inconsistent under Ha, efficient under Ho; obtained from xtreg

Test: Ho: difference in coefficients not systematic

chi2(5) = (b-B)'[(V_b-V_B)^(-1)](b-B)
= 62.20
Prob>chi2 = 0.0000
(V_b-V_B is not positive definite)

